

## روحانیت و نهضت تحریم تنباکو

اصغر حیدری

یکی از پرفراز و نشیب‌ترین دورانهای تاریخ ایران، زمان سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه قاجار است که توأم با ضعف شدید حکومت از یک طرف و رشد افکار مترقیانه از طرف دیگر، موقعیت حساسی را به وجود آورده بود. به خصوص اینکه به علت تلون مزاج ناصرالدین شاه و ضعف بنیه مالی دولت، امتیازات گوناگون به اتباع خارجی، خصوصاً روس و انگلیس، اعطا می‌شد.<sup>۱</sup> یکی از آن امتیازات خانه‌برانداز امتیازنامه<sup>۲</sup> رژی و توتون و تنباکوی ایران بود که طی آن کلیه معاملات، خرید، فروش و صادرات تمام توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال با بهایی اندک به مازور تالبوت از مشاوران و نزدیکان لرد سالیزبوری نخست‌وزیر انگلیس واگذار شد و دست ایرانیها از توتون و تنباکوی خود به کلی قطع گردید. شاه و صدراعظم امین‌السلطان و کامران میرزا نایب‌السلطنه در لندن در قبال این میهن‌فروشی حدود دو میلیون لیره رشوه دریافت نمودند.<sup>۳</sup> قطعاً شاه تصور می‌کرد با پولی که از این راه به دست خواهد آورد، علاوه بر

۱. مانند امتیاز تأسیس خط آهن و استخراج معادن ایران و تأسیس بانک شاهنشاهی به بارون یولیوس دو رویتز انگلیسی در ۱۲۸۹ هجری قمری، امتیاز حفاری در شوش به دیولافوی فرانسوی در ۱۳۰۱، امتیاز راه انزلی به قزوین در ۱۳۱۰ به شرکت روسی، انحصار امتیاز صید ماهی در آبهای ایران در دریای خزر به لیانوزوف روسی، امتیاز حفاری به ژاک د مرگان در ۱۳۱۷.

۲. regie: اداره امور مربوط به عامه به وسیله ادارات دولتی، اداره اموال عمومی به وسیله انحصار دولت در امور تجاری و اقتصادی، امتیاز انحصار اداره مالیات غیرمستقیم. عباس آریانپور. فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۳. ج ۴، ص ۴۶۰۵.

۳. ر.ک: احمد مجدالاسلام کرمانی. تاریخ انحطاط مجلس (فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران). [اصفهان] انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱. ص ۱۲۵؛ ژوانس فوریه. سه سال در دربار ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۶. ص ۳۰۲؛ خاطرات عباس میرزا ملک‌آرا. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران، بابک، ۱۳۶۱. ص ۱۸۲.

جبران هزینه سفر، می‌تواند خرج سفر دیگری را نیز فراهم آورد. به هر حال، مستر تالبوت در سال ۱۳۰۷ هجری قمری شرکتی انگلیسی تأسیس کرد و جمع کثیری از کارکنان و عملجات انگلیسی را به ایران فرستاد.

## اهداف و پیامدهای حضور کمپانی رژی در ایران

جهت بررسی اهداف و نظریات کمپانی رژی و پیامدهای حضور آن در ایران، بررسی نوشته‌های معاصران آن واقعه بسیار راهگشا خواهد بود.

شیخ حسن کربلایی از معاصران و ناظران واقعه در کتاب معروف و معتبر خود، تاریخ الدخانیه یا قرارداد رژی،<sup>۴</sup> می‌نویسد:

کمپانی امتیاز شروع به ترتیب مقدمات کار نمود. نخست نقطه‌ای خیلی عمده و خیلی مرغوب را در حوالی ارک دولت، که معروف به باغ ایلخانی است، به معادل چهل و پنج هزار تومان عین اشرفی خریده و به معادل یکصد و پنجاه هزار و چیزی تومان عمارت عالی خیلی ممتازی بنا کردند. دوردور عمارت را به سور (دیوار) خیلی مستحکم بسیار بلندی که مشرف و مسلط بر ارک دولت و سایر نقاط شهر است با گچ و آجر در قطر قریب چهار ذرع ساخته به طوری که این عمارت، مانند کشتی زره‌پوش، توپ بردوردور آن تواند گردش نمود. پس از استقرار در کمال استقلال آغاز عمل کرده برای تمامی ممالک محروسه به فراخور هر مملکت (ایالت) هیئتی را از فرنگیان، به نام وکلاء کمپانی، تشکیل دادند.<sup>۵</sup>

در اواخر جمادی‌الاول ۱۳۰۹ مقاله سودمندی را که به توسط یکی از علما (به احتمال قریب به یقین به توسط میرزا رضا کرمانی) نوشته شده بود به در و دیوارها چسباندند و در مدارس و مساجد انداختند. در آن چنین آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحیم. در مسئله توتون و تنباکو و شخص مستأجر انگلیسی و حکایت منع از استعمال آنها، که منتسب به رؤساء ملت گردیده است، من

۴. کتاب تاریخ الدخانیه نوشته شیخ حسن کربلایی منبع اسناد و اطلاعات معتبری در تاریخچه انحصارنامه دخانیات است. آنچه در تاریخ‌بیداری ایرانیان به قلم ناظم‌الاسلام کرمانی نقل شده از همان مأخذ است؛ اما کار غریب این است که آقای ابراهیم تیموری تمام مطالب و اسناد تاریخ الدخانیه را در رساله قرارداد ۱۸۹۰ رژی، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران گنجانده و به نام خود منتشر کرده است. کار ابراهیم تیموری در تاریخ سرقتهای ادبی شگفت‌آور است. فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت. تهران، انتشارات پیام، بی‌تا، ص ۳۶.

۵. شیخ حسن کربلایی. قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات. چاپ دوم. تهران، انتشارات مبارزان، ۱۳۶۱. ص ۳۰.



شکارگاه دوشان تپه، ناصرالدین شاه و شکار قوچ؛ ابوالحسن اردلان، ناصرالدین شاه فاجار،  
غلامعلی عزیز السلطان، اکبر سیف السلطان، شیل السلطنه [۳۲۴۷-ع۱]

باب‌المقدمه، عرضه می‌دارد که از اصول موضوعه و مسلمات تمام ارباب عقول است که باید شخصی که مالک نقطه‌ای از نقاط است سد احتمالات ورود اجنبی را بر آن نقطه بنماید؛ حتی هرگاه عامل احتمال بدهد فلان که اقرب مردم است به او اگر چندی در خانه او بنشیند اظهار مالکیت خواهد نمود و اخراج نتوان کرد مگر به مشقت، فرمود از اول ممنوع از دخول خواهد بود چه رسد به اینکه اگر کسی دشمن قوی پنجه داشته باشد و احتمال بدهد شاید شیخون به خانه او بزند یا در صدد قتل او برآید، وی را راحت نشاید و ثقیات [سوراخهای برجهای دیده‌بانی] و ثغور [دیوارهای کنگره‌دار] آن خانه را کمال محافظت و مراقبت باید بنماید... و دیگر، قطع حاصل از تجربه که عبارت از تکرر مشاهده است، از اصول برهان و امور قوی بنیان است و به تکرر مشاهده از حالت اهالی انگلیس و مکر و خیال آنها نسبت به اهالی هندوستان و مصر و سایر جاها واضح و هویدا کاشمس فی وسط السماء گردیده که قرارداد آنها پایه و اصلی ندارد؛ چنانچه در بدو ضبط هند به اسم تجارت رعایای آنجا را تبعه ساخته و از خود هم جماعتی منضم نموده، بالاخره، بدون زحمت منازعه بر تمام مملکت استیلا یافتند و به قرارهای اولیه وفا ننمودند. مصر را هم به همین نهج [شیوه] مقهور ساختند و الان آن نابکاران در صدد ضبط و بردن مملکت ایران برآمده‌اند... از طرف فارس که اول ثغور اسلام است راه را مفتوح ساخته و در سرحد خراسان که از موقوفه قدیمه آستان ثامن الائمه (ع) است بنای شهر به آن تفصیل گذاردند و اسباب و آلات جنگ در آن نقطه به نحو اتم و اکمل فراهم آوردند. مستأجر تنباکو را چه واداشته که همچو بنای عظیمی به اسم محل تنباکو در نقطه باغ ایلخانی، که مشرف بر تمام شهر و ارک و سایر نقاط این شهر است، بنماید. قریب چهار ذرع عرض دیوار از گچ و آجر ساخته‌اند. مانند کشتی زره‌پوش توپ بر او گردش می‌کند، با اینکه برای او ممکن بود سرای امین‌الملک را خالی از اغیار اجاره نماید. از کجا به اشاره دولت آنها نباشد؟ بلکه مضمون این است که تمام این مخارج گزاف از مالک مملکت آنهاست و الا تاجر را چکار که به هفت کرور یا دوازده کرور مخارج اجاره‌داری بنماید! کی می‌تواند مایه خود را از این اهالی فقیر ایران دریافت دارد؟ از کجا می‌توان اطمینان تحصیل نمود که دربارهای قماش و تنباکو و غیره، توپ و تفنگ به این محل حمل نمایند که در مقام حاجت به کار برند و تمام شهر را در آن واحد خراب و منهدم سازند. به اسم مفتش تا سی تومان به سرگردها دادن و غلافها در اطراف مهیا ساختن دلیل واضحی است بر طول آمال و بلندی خیال... تنباکو و توتون به دست کفار، مثل سایر چیزها، سبب استیلاء و

رخنه و کثرت نفوذ آنهاست و بالمآل سلطنت شیعه به ید بد آنها قرار خواهد گرفت.<sup>۶</sup>

این عالم روشن بین خطر را به درستی تشخیص داده و اعلام نموده بود. کشف صندوقهای اسلحه با مارک کمپانی رژی بعد از فسخ قرارداد شاهد صدق گفتار اوست و اینک توصیف ماجرا:

مطابق فصل چهار قرارداد رژی «جمع اسباب کارخانه و ملزومات این کار، که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه [ایران] می‌آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.»<sup>۷</sup>

بدین جهت، هر وقت هر بسته و جعبه‌ای که دارای علامت شرکت و به نام کمپانی رژی وارد می‌شد، بدون بازدید مأموران گمرک، تحویل نماینده کمپانی می‌گشت. پس از اینکه امتیازنامه لغو شد و بطلان آن را رسماً به همه‌جا اطلاع دادند، چند صندوق که دارای علامت کمپانی رژی و به نام صاحب امتیاز بود به یکی از گمرکخانه‌های جنوبی ایران رسید. نماینده صاحب امتیاز می‌خواست آنها را مثل سابق بدون اینکه مأموران ایرانی جعبه‌ها را بازدید کنند از گمرک خارج کرده به تهران حمل نماید؛ ولی مأموران گمرک به این بهانه که امتیازنامه لغو شده و دیگر نمی‌توان چیزی را بدون بازرسی از گمرکخانه خارج نمود اجازه نمی‌دادند ندیده انگلیسیها جعبه‌ها را از گمرک حمل کنند. هرچه انگلیسیها اصرار می‌کنند سرسختی مأموران ایرانی بیشتر می‌شود و حتی نماینده کمپانی حاضر می‌شود مبلغ کلانی به عنوان رشوه بدهد؛ ولی مأموران قبول نمی‌کنند. سرانجام، قرار می‌شود مراتب را به تهران گزارش داده کسب تکلیف نمایند. از تهران جواب می‌رسد که صندوقها را باز کنند و پس از رسیدگی به محتویات آن اجازه ترخیص بدهند. هنگامی که جعبه‌ها گشوده می‌شود معلوم می‌گردد که اصرار انگلیسیها برای چه بوده زیرا جعبه‌ها پر بودند از تفنگ و فشنگ و نارنجک و باروت و غیره. وقتی این قضیه به تهران اطلاع داده شد از طرف دولت دستور رسید که آنها را ضبط کنند؛ به سفارت انگلیس نیز درباره این ادوات شهرگیری و قلعه‌کوبی اعتراض می‌شود. سفارت انگلیس جواب می‌دهد که صاحب امتیاز را برای این عمل، که بدون اطلاع آنها بوده، در سفارت توقیف کرده به انگلستان روانه خواهند ساخت تا در آنجا محاکمه شود.<sup>۸</sup>

۶. ناظم‌الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۳. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳. ج ۱، صص ۳۵-۳۶؛ و نیز خاطرات ملک‌آرا، همان، ص ۱۸۳.

۷. همان، صص ۱۴۹-۱۵۰؛ ابراهیم تیموری. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران. ج ۳. تهران، انتشارات کتابهای جیبی، ۱۳۶۱. صص ۲۰۱-۲۲۰.



معلوم شدن حمل و سایل جنگی به جای حمل و سایل کار کمپانی و کشف جعبه‌های مذکور تنها موردی است که معلوم و در تاریخ ضبط شده است. خدا می‌داند از این جعبه‌های پر از مواد منفجره و جنگی تا فسخ امتیازنامه رژی چه مقدار وارد ایران کرده بودند.

شیخ ذبیح‌الله محلاتی در کتاب مآثر الکبراه فی تاریخ سامراء می‌نویسد:

در این موقع از طرف فرنگیان عده زیادی مبلغ، که در حدود صد هزار نفر مرد و زن بودند، به ایران آمده و مرکز تبلیغ خود را در تهران قرار دادند. طولی نکشید که این عده بین شهرستانها پخش شده و در هر نقطه مشغول تبلیغ مردم به دیانت مسیح شدند. کلیساها ساخته شد و برای پیشرفت خود مریضخانه‌هایی بنا کردند و دختران مسلمان را، که تا آن روز زیر پرده عصمت بودند، برای پرستاری استخدام کرده و آنان را بی حجاب به امور پرستاری واداشتند.<sup>۹</sup>

شیخ محمدرضا زنجانی از دیگر شاهدان واقعه می‌نویسد:

در بازار تهران دختران نوری و زیبای فرنگی اجناس عالی و ناپیچ خود را به وضعی هرچه دلخواه‌تر به موقع نظر حیرت تماشاچیان گذاشته و بدان عشوهای نازنین و لهجه و لسانهای دلچسب و شیرین در کمال بیباکی مسلمانان را به اسم و عنوان داد و ستد از هر سو در پی تاراج عقل و دین بودند. از این گذشته، جمعی از زنان بازیگر و بدکار مخصوصاً برای ترویج کسب و کار خودشان به ایران آمده و به اطراف بلاد محروسه منتشر گشته و در هر بلدی، خاصه تهران، چندین تئاتر و فاحشه‌خانه تشکیل داده هم‌روزه فوجی از مسلمانان را بدین وسیله به دام خود کشیده مالشان که سهل است عقل و دینشان را می‌ربودند... در هر شهر و شهرستانی، خاصه تهران، رسماً با اطلاع دولت، مبلغان مسیحی در کمال اقتدار و استقلال در پی صید مسلمانان دامها افکنده چندین کلیسا و مدارس و معبدهایی که جز خرافات چیز دیگری نیست بنا کردند... فرنگیان بیش از ۲۰۰ هزار نفر به ایران هجوم آوردند... بالجمله، آن درجه از انحطاط و ضعفی که اسلام و اسلامیان را در این قرن روی داده و آن طرحی که خارجیان برای استثمار ایران پیش خود ریخته و بدین وضع پیش آمده بود هر گاه لطف خداوندی تدارک نمروده بود و چندی بدین وضع تیره بر ایران گذشته بود هر آینه عن‌قریب اسمی از ایران و اسلام به جا نمانده و بالمره محو می‌شد.<sup>۱۰</sup>

۹. شیخ آقابزرگ تهرانی. نقل از: میرزای شیرازی، ترجمه اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی. تهران، بی‌نا، ۱۳۶۲. پیوست شماره ۳.

۱۰. شیخ محمدرضا زنجانی، تحریم تباکو. تهران، نمایشگاه دائمی کتاب، ۱۳۶۵. صص ۵۲-۶۲.

عباس میرزا ملک آرا (از دیگر شاهدان رویداد) برادر ناصرالدین شاه در کتاب خود می‌نویسد:

انگلیسیان هم به ایران آمده مانند دولتی که ایران را فتح کرده باشند به تمام بلاد مأمورین فرستادند و در هر بلدی سوار گرفتند که اجرای احکام آنها را بنمایند و سوارها را با مواجب کافی و اسبان اعلی و اسلحه جدید مسلح نمودند و در این خصوص به هیچ وجه شرطی یا قراری با وزرای جاهل نداده بودند. به طور مطلق، کمپانی مختار و، به قول حکما، وجود بلا شرط بود. چون میدان را به این شدت خالی و بی مانع دیدند با رعایا در کمال سختی معامله کردند و در هیچ محل اعتنایی به حکومت نکردند و از طرف امنای دولت، که همه از کمپانی رشوه خورده بودند، هر روزه به حکام ولایات اوامر صادر می‌شد که البته در پیشرفت امور مأمورین کمپانی منتهای سعی را به جا بیاورند و از اهتمام و همراهی دقیقه‌ای فروگذار نکنند.<sup>۱۱</sup>

جمع‌بندی اهداف و پیامدهای حضور کمپانی رژی در ایران به این صورت خواهد بود:

۱. در دست گرفتن کل محصول توتون و تنباکو و محتاج نمودن جمع کثیری از ایرانیان تولیدکننده و مصرف‌کننده توتون و تنباکو و سیطره بر بازار مسلمین؛
  ۲. وارد نمودن مقدار زیادی اسلحه و مواد جنگی و منفجره برای آتیه؛
  ۳. آوردن جمع زیادی کارمند زن و مرد انگلیسی و ترویج فرهنگ و آداب و رسوم و طرز زندگی غربی؛
  ۴. استفاده از زنان غربی در امر خرید و فروش توتون و تنباکو و ایجاد فساد اخلاقی؛
  ۵. استخدام دختران مسلمان و برداشتن حجابشان و سوق آنان به طرف فساد؛
  ۶. ایجاد و ساخت کلیسا و بیمارستان جهت ترویج دینانیت مسیحی.
  ۷. استخدام مأمورانی از ایرانیان و ایجاد شبکه نوکران؛
  ۸. ترویج رسم مذموم رشوه جهت پیشرفت کار و فساد اجتماعی ناشی از آن.
- و...

## روحانیت و شروع مبارزه با رژی

در بررسی شروع مبارزه با کمپانی و اهداف شوم و خطرناک آن، ابتدا باید توجه نمود

۱۱. ابراهیم تیموری، همان، ص ۴۳.

که اکثریت ملت به نحوی با کشت و مصرف و خرید و فروش توتون و تنباکو رابطه داشتند و این رابطه باعث می شد هر تصمیمی در مورد اجناس مذکور و خرید و فروش آن، حساسیت مردم را بیش از پیش برانگیزد. تاورنیه سیاح معروف فرانسوی می گوید:

ایرانیان، از زن و مرد، به کشیدن توتون خو گرفته اند که بریدن از ایشان با بریدن زندگیشان یکسان است. بسیاری از آنها از نان توانند گذشت اما از توتون نتوانند گذشت. کارگران همانکه پولی به آوردند یا مزدی گرفتند نخست بخشی از آن را برای خرید توتون جدا می کنند.<sup>۱۲</sup>

شیخ حسن کربلایی می نویسد:

هر صنفی از مردم مناسب حال و کار خودشان، به شرطی از مفاسد و مضار جانی و مالی این کار پی بردند؛ علی الخصوص اصنافی که طرف داد و ستد اجناس دخانیه مملکت بودند و این مردمان خمس مجموع مملکت بودند.<sup>۱۳</sup>

ژنرال سر پرسی سایکس انگلیسی، رئیس پلیس جنوب، می نویسد:

این امتیاز در وضع و حالت عمل آورندگان تنباکو و فروشندگان و نیز استعمال کنندگان تأثیر بخشید. در ایران چه زن و چه مرد همگی مرتباً استعمال دخانیات می نمایند.<sup>۱۴</sup>

ادوارد براون می نویسد: «رئیس کل گمرک ایران مقدار تنباکوی مصرف سالیانه را در ایران پنج میلیون و چهارصد هزار کیلوگرم و مقدار صادرات را به چهار میلیون کیلوگرم آمار می دهد».<sup>۱۵</sup> در ادامه خواهیم دید که نزدیک یک میلیون نفر در ایران توتون و تنباکو مصرف می نمودند.

به این ترتیب، بخش اعظم ملت ایران در مبارزه با کمپانی رژی درگیر شدند. آنهایی هم که رابطه ای با دخانیات نداشتند به خاطر اینکه رهبری مبارزه بر عهده روحانیت و تنها مرجع تقلید زمان بود به سبب عرق مذهبی به صف مبارزین پیوستند. طبقات مختلف مردم سیل نامه ها و تلگرافها را به سوی نجف روانه و از مرحوم آیت الله میرزا

۱۲. احمد کسروی. تاریخچه چق و غلیان. تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۳۵. ص ۲۴.

۱۳. شیخ حسن کربلایی، همان، ص ۳۰.

۱۴. ژنرال سر پرسی سایکس. تاریخ ایران. ترجمه فخر داعی گیلانی. ج ۲. [تهران]، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳. ج ۲، ص ۵۳۵.

۱۵. ادوارد براون. انقلاب ایران. ترجمه احمد پژوه. ج ۲. تهران، انتشارات معرفت، ۱۳۳۸. ص ۴۶.





کارکنان ایرانی و انگلیسی اداره انحصار دخانیات در شهر مشهد [۸۰۲-۱۳۴ط]

حسن شیرازی استدعای رهنمود می نمودند. مرحوم میرزا طی نامه‌هایی مضرات انحصارها و امتیازاتی مانند بانک، تنباکو، راه آهن و اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت منافی نص صریح قرآن مجید دانسته شاه را از آنها منع نمود.<sup>۱۶</sup> اما برق لیره‌های طلای انگلیسی هوش از سر شاه برده بود و شاه زیر بار نرفت.

مشیرالوزاره کاردار ایران در بغداد، به دستور شاه، به حضور میرزا رسیده از فواید و منافع انحصار با ایشان گفت و گو کرد. هرچه مشیرالوزاره بیشتر در فواید و منافع آن سخن می‌گفت میرزا زیادتر اصرار در لغو آن می‌کرد. میرزا عاقبت به فرستاده شاه گفت: نگذارید کارتان به آنجا بکشد که وقتی ملجأ شوید و بخواهید دست توسل به دامن ملت بزنید، ملت را دیگر دامنی نمانده باشد. هنوز تا وقت است دولت، اگر در حقیقت رفع این غائله ممکن نیست، به ملت واگذار کند تا ملت خود در صدد رفع این غائله برآید و دولت اگر از عهده جواب بیرون نتواند آمد ملت از جواب حسابی عاجز نیست؛ خصم را از عهده جواب بیرون تواند آمد. و چون باز مشیرالوزاره ضعف دولت و ملت ایران را در مقابل انگلیس به رخ میرزا کشید با آنکه مرحوم میرزا هیچ ادعایی نمی‌کرد و متانت فوق‌العاده‌ای داشت، فرمود: اگر دولت از عهده برنیاید من به خواست خدا آن را برهم می‌زنم.<sup>۱۷</sup>

عاقبت مرحوم میرزا با صدور فتوای معروف خود در تحریم استعمال توتون و تنباکو اقدام عملی در برهم زدن رژی را آغاز نمود: «الیوم استعمال توتون و تنباکو، بای نحوکان، در حکم محاربه با امام زمان است». فتوایی که مسیر تاریخ ایران را عوض نمود و اوراق زرینی در آن پدید آورد؛ جمله‌ای که کوبنده‌تر و قوی‌تر از هزاران سلاح آتشین بود استعمار انگلیس و استبداد ناصری را به عقب‌نشینی وادار نمود.

## روحانیت و اعلام جهاد در تهران

رهبری قیام در تهران را مرحوم میرزا حسن آشتیانی بر عهده داشت و در کار خود طوری جدی بود که ناصرالدین شاه به وی دستور داد یا روی منبر قلیان بکشد (و به این ترتیب حرمت حکم مرحوم میرزای شیرازی را بشکند) و یا از تهران بیرون رود؛ و میرزای آشتیانی شق دوم را انتخاب نمود. مردم تهران، مانند بشکه‌ای پر از مواد منفجره، منتظر جرقه‌ای جهت انفجار بودند. حکم تبعید مجتهد تهران جرقه را زد و جمع کثیری

۱۶. ابراهیم صفایی. اسناد سلسلی دوران قاجاریه. تهران، چاپ شرق، ۱۳۴۶. (سند شماره ۱، ص ۸ و ۱۰ - نامه مرحوم میرزا به ناصرالدین شاه).  
۱۷. ابراهیم تیموری، همان، ص ۹۰.

از مردم دست به تظاهرات قهرمانانه‌ای زده ارک سلطنتی را محاصره کردند و درصدد نفوذ به داخل آن برآمدند. کامران میرزا (پسر ناصرالدین شاه و نایب‌السلطنه) به نگهبانهای ارک دستور تیراندازی داد. نگهبانان آذربایجانی از شلیک به طرف هم‌میهنان خودداری نمودند و فوج دیگر دستور را اجرا کردند و جمعی از مردم کشته شدند. در این گیرودار، سیدی خشمگین خود را با شمشیری کشیده به کامران میرزا رساند؛ اما شمشیر او در هوا توسط یکی از محافظان گرفته شد.<sup>۱۸</sup> نتیجه این خیزش، منع از تبعید میرزا حسن بود. عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، واسطه اصلاح بین روحانیت و دربار شد. چند تن از وزرا نیز می‌کوشیدند غائله را بخوابانند. مخالفان رژی نیز برای اینکه غافلگیر نشوند غروب روز جمعه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ اعلامیه‌ای در مساجد و گذرها به این مضمون منتشر نمودند: «بر حسب حکم جناب حجت‌الاسلام آقای میرزای شیرازی اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم دوشنبه آتیه جهاد است؛ مردم مهیا شوید!». چند نسخه نیز به در شمس‌العماره چسبانیده شد. خبر به زودی در تهران منتشر شد و اکثر مردم آن را باور نموده مهیای جهاد شده اسلحه به دست آوردند و وصیتنامه نوشتند.

مرحوم حسن کربلایی چنین ادامه می‌دهد:

فرنگیان مقیم دارالخلافه [تهران] همگی سخت مضطرب و پریشان شده از دولت در خصوص حفظ خودشان اطمینان می‌طلبیدند. اولیاء دولت، که درباره خود و فرزندان‌شان و اجزاء سلطنت به غایت مضطرب و هراسان بودند، در این اطمینان خواستن خارجیها به چندین درجه بر وحشتشان افزود. عصر یکشنبه، که مردم برای فردا آماده جهاد شده بودند، جناب میرزای آشتیانی جمیع علماء دارالخلافه را خواست و اکیداً سفارش نمود که امشب در مساجد و معابر هر کسی مردم اطراف خود را ساکت نماید و شور و هیجان را فرو نشاند. علما نیز آن شب در مساجد در تکذیب شایعه جهاد بیانات کافی نمودند که این‌گونه اعلانات مفاسخیز را از جانب علما ندانید و به این‌گونه اکاذیب گوش فرا ندهید... علما مردم را از شور و هیجان انداختند؛ ولی با همه این، فرنگیان به سبب رعبی که از ملت اسلام فرا گرفته و از آن اندیشه که از نفوذ حکم حضرت حجة‌الاسلام در دههای آنان فرو رفته بود با همه اطمینان دادن علما، باز ترسان و هراسان در کمال وحشت و اضطراب جمعی از آنها

۱۸. ر.ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۱، صص ۱۹۷-۱۹۸؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱. ج ۱، صص ۴۷۱-۴۷۲؛ خاطرات ملک‌آرا، همان، صص ۱۸۵-۱۸۷؛ و گزارش جالب دکتر فوریه طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه در کتاب: سه سال در دربار ایران، همان، صص ۳۳۰-۳۳۴.

در لباس زنان اسلامی، که از مسلمانان اتباع خودشان با هزاران تملق به عاریت گرفته بودند، شبانه گریخته از شهر بیرون رفتند و سایرین که در شهر مانده بودند خودشان را پنهان داشتند. از آن همه اوضاع فرنگی بازار تهران به هیچ وجه اثری پیدا نبود سهل است در تمامی کوچه و بازار دارالخلافه در این ایام، چه از اجزاء کمپانی و چه از اجزاء سفارتخانه‌های خارجی و چه از غیر اینها، یک نفر فرنگی پیدا نمی‌شد.<sup>۱۹</sup>

ناظم‌الاسلام می‌نویسد:

پس از آنکه اعلان جهادیه منتشر گردید و مترتب آن مجلس علما و درباریان منعقد، امین‌السلطان متقبل گردید که امتیاز را مرتفع سازد. آقایان هم متعهد شدند شایعه جهادیه را مکذب شوند... مذاکرات آقایان اگرچه قدری مردم را ساکت و آرام نمود لکن خارجیها باز از وحشت و اضطراب آسایش نداشتند. این بود که سفیر روس مجلسی به عنوان ضیافت ترتیب داده و سایر سفرای خارجی را به انضمام رئیس کمپانی امتیاز مسیو آرسن دعوت نموده گفت: آقایان، امروزه معادل دو کرور مالیات از اجناس و معمولات فرنگستان از قبیل غلیان و سرغلیان چینی و بلور در جاهای خود موقوف و معطل مانده و حال آنها معلوم نیست چه خواهد شد؛ و سبب این وضع اختلال‌آمیز معلوم است که این مرد صاحب امتیاز دخانیه (آرسن) عملی را برخلاف آئین مسلمانان با دولت گذرانیده و چون این عمل مطابق اصول اسلامیه نبوده، رئیس اسلامیان که به مراحل از حدود ایران بیرون است رفع و ابطال این عمل را در این دیده که مسلمانان را از استعمال دخانیات ممتنع دارد؛ در این مقام برآمده دو کلمه در خصوص منع مسلمانان از این عمل نوشت و فرستاد و این نوشته به محض وصول در ظرف یک نیم‌روز در شهر به این عظمت منتشر گردید و مسلمانان عادت پانصد ساله را یکدفعه متارکه نمودند... هرگاه این مرد صاحب امتیاز اندکی دیگر از این معامله را دنبال کند و آن مرد بزرگ اسلام، برای دفع طرف مقابل، بنای تشدید در امر را بگذارد و بنویسد شرب چایی هم همین حال دارد هیچ تصور کرده‌اید چه مقدار از اجناس فرنگستان که لوازم این کار است از قبیل قند و چائی و سماور و قوری و سینی و استکان و نعلبکی و غیر اینها، باطل و عاطل مانده تا چه پایه سخته به کلیه تجارت فرنگستان وارد خواهد آمد؟ اگر این مرد مسلم القبول بنویسد که تمامی امتعه و اجناسی که از فرنگستان حمل و نقل به ایران می‌شوند حالش همین و استعمالش روا نیست بلکه مایحتاج مسلمانان باید از داخل مملکت فراهم شود شماره گرفته‌اید چندین باب بزرگ از تجارت تمامی دول اروپا از این

رهگزر مسدود خواهد شد؟ این را سهل گیریم، هرگاه این شخص بزرگ نافذالکلمه حکم بدهد که بر مسلمانان حتم و لازم است که تمامی فرنگیانی که در بلاد اسلام هستند همگی را باید قتل و اعدام نمود هیچ می‌دانید آنگاه چه خواهد شد و چقدر نفوس از تبعه دول اروپا در این مملکت عرضه دمار و هلاک خواهند شد؟...<sup>۲۰</sup>

جریان جهاد چنان میان مردم جاافتاده بود که حتی بعد از فسخ قرارداد نیز از شور جهاد نیفتاده بودند. حاج کاظم ملک‌التجار در شرح ملاقات خود با میرزای آشتیانی بعد از فسخ امتیازنامه که به امین‌السلطان نوشته می‌گوید:

این خلق پدرسوخته غوغا طلب هم متصل می‌آمدند و می‌رفتند و تکلیف می‌خواستند. حتی از دهات اطراف هم بعضی آمده، از جمله جمعی از کنی‌ها آمده می‌گفتند ما چون شنیدیم جهاد است مبلغی اسلحه خریده‌ایم و آمده‌ایم ببینیم آقا چه می‌فرمایند؟<sup>۲۱</sup>

## زنان و پیروی از روحانیت در مبارزه

در اعتراض مردم تهران به تبعید میرزا حسن آشتیانی، زمانی که جمعیت معترض به چندین هزار نفر رسید، نزدیک ظهر زنان نیز دسته‌دسته به منزل میرزای آشتیانی می‌رفتند. وقتی جمعیت زیاد شد زنها جلو و مردها از دنبال به طرف قصر سلطنتی به راه افتادند. زنان، با روبنده سفید و پیچه و چاقچور، روی سر خود لجن مالیده شیون و ناله می‌کردند و یاعلی و یاحسین می‌گفتند. وقتی به میدان ارک رسیدند زنان مکرر به شاه فحش می‌دادند و می‌گفتند شاه‌باجی، شاه‌باجی سبیلو، لامذهب ما تو را نمی‌خواهیم. زنان در مواجهه با کامران میرزا نایب‌السلطنه شیون و ناله را شدت بخشیده، در ضمن فحشهایی که می‌دادند، می‌گفتند ای خدا، می‌خواهند دین ما را ببرند، علمای ما را بیرون کنند تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند، اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند، بر جنازه ما فرنگیها نماز بخوانند. بعد از مدتی، زنها به طرف مسجد شاه به راه افتادند. اتفاقاً وقتی که به مسجد شاه رسیدند میر سید زین‌العابدین امام جمعه، بالای منبر، مردم را موعظه و نصیحت و تهدید می‌کرد و آنها را به سکوت دعوت می‌نمود. وقتی که زنها او را بدین حال دیدند شروع به فحاشی به وی نمودند؛ و خطاب به او که داماد شاه بود، فریاد زدند: «اگر مردان ما مانند زنان در خانه بنشینند ما زنان جامه مردان می‌پوشیم و حق خود را از دست

۲۰. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۱، صص ۴۲-۴۳.

۲۱. ابراهیم صفایی، همان، سند شماره ۲۳، صص ۷۷-۷۹.



نمی‌دهیم. ما اجراء حکم خدا را خواهیم.»<sup>۲۲</sup>

موارد مذکور پیشگام بودن زن مسلمان ایرانی را در جانبازی در راه حفظ مذهب و کشور نشان می‌دهد. فرزندان و نوادگان همین شیرزنان ایرانی بودند که، در انقلاب مشروطیت، برادران و شوهران و فرزندان خود را جهت شرکت در انقلاب تشجیع و جواهرات خود را برای تأمین مالی انقلاب اهداء نمودند و حتی اسلحه به دست گرفته و مسلحانه در انقلاب مشروطیت شرکت کردند.<sup>۲۳</sup>

### گسترش دامنه نهضت

نهضت تحریم تنباکو تنها جنبه خاص اعتراض به قرارداد تنباکو را نداشت بلکه مخالفت با قرارداد مذکور جز محملی برای مبارزه با همه خودفروشیها و استعمارزدگیهای دستگاه استبداد نبود و در حقیقت اعتراض به قرارداد مزبور زمینه بسیج و تشکل مبارزه‌ای بود که خصوصاً از بیست سال پیش مستمراً بر ضد جریان استعماری غرب‌زدگی آغاز شده بود.

در مکتوبات و مراسلات رهبران نهضت می‌بینیم که تنها صرف اعتراض به قرارداد مطرح نیست؛ میرزای شیرازی در تلگراف به شاه از مطلق اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و اجرای عمل بانک و تنباکو و راه‌آهن و غیره سخن می‌گوید.<sup>۲۴</sup>

شاه در نامه محرمانه‌ای به میرزای آشتیانی، پس از هتاکیهای بسیار، می‌نویسد: «بعضی عبارات گفته بودید که هیچ ربطی به عمل تنباکو نداشت؛ مثلاً بانک و راه‌آهن و غیره را عنوان کرده بودید.»<sup>۲۵</sup>

میرزای شیرازی نیز در پاسخ به شاه می‌نویسد: در مسئله بانک و راه‌آهن و غیره که عرض کرده‌اند مطالب بی‌ربطی بوده، خلاف عرض شد؛ بواسطه آنکه در مسئله بانک به هیچ وجه گفت‌وگویی نشد و از راه‌آهن به همین قدر عنوان شد که مفاسد این امتیاز هم بسیار است و من جمله آن است که فرنگیان بعد از آنکه قضای حاجتشان شود به قانون خود هم عمل نخواهند کرد بلکه

۲۲. رک: قرارداد رژی، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴۲؛ شرح زندگانی من، ج ۱، صص ۴۷۱-۴۷۲.

۲۳. جهت مطالعه نقش زنان مسلمان ایران در انقلاب مشروطه رک: احمد کسروی. تاریخ مشروطه، ج ۱۵. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹. صص ۶۹، ۹۷، ۹۹، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۸۰، ۳۱۵ و ۶۱۰؛ پاولویچ، تریا و ایرانسکی. سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. ترجمه هوشیار، ج ۲. تهران، انتشارات کتابهای جیبی، ۱۳۵۷. ص ۷۰.

۲۴. اسناد سیاسی دوران قاجاریه، سند شماره ۱، صص ۸-۱۰. ۲۵. همان، ج ۱، ص ۱۷.



به میل خود سلوک خواهند نمود مثل آنکه ملک رعیت را خراب می‌کنند و عوض نداده از طریق عبور می‌نمایند. اما سایر مسائل مثل دعوت کشیش نصاری مسلمین را به دین مسیحیت و ترغیب نمودن به کتاب و قول و تالینی؟! [لسانی، به این مناسبت گفت و گو شد که این‌گونه مفاسد موجب هدم اساسی دین است.

در شبنامه‌ای که در جریان نهضت، خطاب به اولیاء امور ایران، منتشر شد می‌بینیم که دامنه نهضت بسی گسترده‌تر از اعتراض به قرارداد تنباکو است:

دشمنان اسلام فرصتی یافته‌اند تا، به بهانه‌های فریبنده گوناگون، این مملکت و ملت را به ورشکستگی سوق دهند: یکی به نام رئیس پلیس (کنت دومونت فورت)، دیگری به عنوان مدیریت گمرک (مسیو کتابچی)، یکی به اسم مشاق نظام (ژنرال آدریانی یا افسران روسی)، دیگری به نام کشیش (دکتر طورانس و مبلغین مذهبی آمریکایی) دیگری به عذر تأسیس بانک (بانک شاهنشاهی ایران) و دیگر به بهانه دارا بودن انحصار تجارت تنباکو (مستر تالبوت) دارند شیرۀ مملکت را می‌کشند و عن قریب خود آن را هم مالک خواهند شد و این آغاز بدبختیهای شما خواهد بود.»<sup>۲۶</sup>

در همین زمینه، گزارش بسیار مهمی از امین‌السلطان به ناصرالدین شاه درباره گفت‌وگویش با کاردار سفارت روس و نیز با میرزای آشتیانی درباره قرارداد تنباکو وجود دارد که شاه پس از مطالعه آن در پشت نامه به خط خود می‌نویسد: «این میرزا حسن پوسیده پدر سوخته چه می‌گوید؟ اینها توی دهنی می‌خواهند بسیار سخت!! امین‌السلطان می‌نویسد:

آقامیرزا آشتیانی در جواب پیغام این غلام، که گفته بودم شما به مجلس بیاید تا فقرات قرارنامه را ملاحظه نمایید بلکه ان شاء الله آنها که عیب دارد درست شود، گفته بود: «این کار صلاح بر نمی‌دارد؛ باید موقوف شود. مگر امین‌السلطان تلگراف جناب میرزا را ندیده است؟ این امتیازات همه باید برگردد و تا برگردد جناب میرزا آرام نمی‌گیرد... خانه‌زاد (امین‌السلطان) به او پیغامات خیلی سخت دادم و تهدید کردم تا قدری آرام گرفت. گفتم ابداً اسم امتیاز و امتیازات نبرید و بیجهت القای شبهه‌های بیمعنی به مردم و به عوام نکنید، این حرفها قباحت دارد. کار دولتی و امتیازات چه ربطی به علما و عمل مذهب دارد؟ پس تلگراف و پست هم یقین حرام است؟»<sup>۲۷</sup>

۲۶. نیکی‌کدی. تحریم تنباکو در ایران. ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی. تهران، انتشارات کتابهای جیبی، ۲۵۳۶. صص ۵۷-۵۸.

۲۷. ابراهیم صفایی. نامه‌های تاریخی دوران قاجاریه. تهران، کتابفروشی سخن، بی‌تا. صص ۸۲-۸۳.

آتش خشم مردم حتی پس از باطل شدن امتیازنامه نسبت به امتیازات اتباع خارجه و شاه و صدراعظم شعله‌ور بود به طوری که طی اعلامیه‌هایی شاه، امین‌السلطان، ارن اشتین (رئیس دایره رژی در تهران) و رایینو (مدیر بانک شاهنشاهی متعلق به انگلیس) تهدید به مرگ شده بودند.<sup>۲۸</sup>

اگر شاه و دربار در مقابل اراده ملت عقب‌نشینی نمی‌کردند، نهضت مردم موجب تغییرات شگرف در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران می‌شد. بخوانیم اعتراف امین‌السلطان را در نامه محرمانه به محمدعلیخان علاءالسلطنه وزیرمختار ایران در لندن: ... اگر ان‌شاءالله این کار (فسخ قرارداد) از پیش برود و به اعانت سفارت بر کمپانی فائق بیایم بدانید بزرگ‌ترین خدمتی است که به مملکت ایران کرده‌ام؛ زیرا که اگر این کار به این طور تمام نشود این آخوندها مردم را تا پای جان هم حاضر کرده‌اند و باید شروع به جنگ داخله بنماییم. ان‌شاءالله نخواهد شد.<sup>۲۹</sup>

امین‌السلطان طی نامه‌ای دیگر حضور شاه شرح گفت‌وگوی خود با علما و نیز با وزیرمختار انگلیس را چنین گزارش می‌نماید:

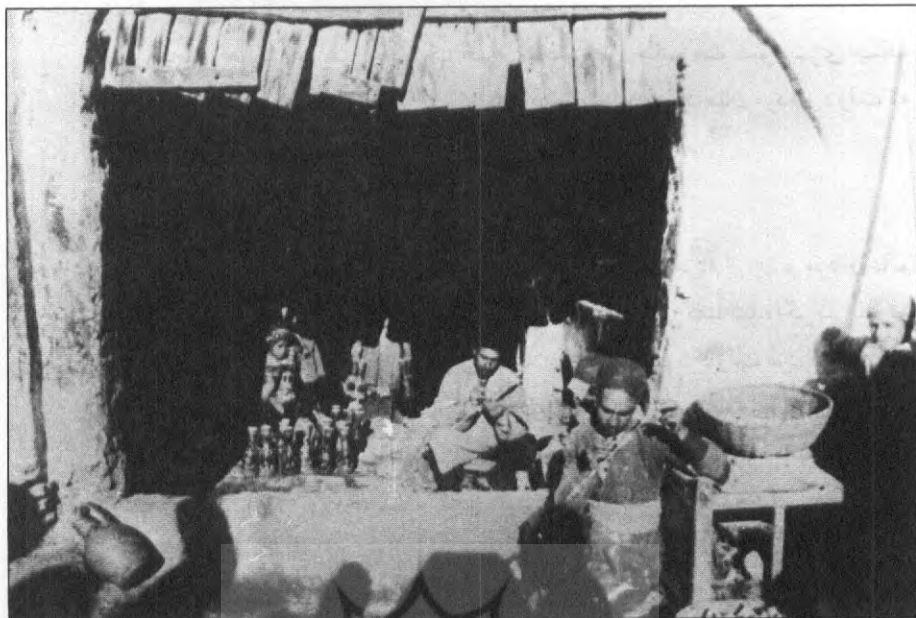
در جلسه علما، این غلام گفتم این استفتاء که به میان مردم انداخته و نسبت آن را به جناب میرزا می‌دهید اصلش کو و کجاست؟ دیدند بدگیری افتاده‌اند. سواد تلگرافی را که جناب میرزا چهار ماه قبل در شهرستانک به حضور مبارک کرده و زیر تمام امتیازات زده و آن عبارات خنک نامربوط را نوشته بود بیرون آورده بنا کردند بلند بلند خواندن و عربده کردن [کشیدن] که با این حکم جناب میرزا تمام امتیازات حرام است؛ حالا شما آمده اصلاح قرارنامه تنباکو را از ما می‌خواهید که شرعی بکنید؟! همه این امتیازات بانک و غیره باطل است... با وزیر مختار از نیم ساعت به غروب مانده تا سه ساعت از شب گذشته مسلسل حرف زده هزار مقدمه بیان و صد هزار دلیل آورده تا به او لزوم فسخ قرارداد را فهمانده گفتم شما بدانید دیگر از برای ما وسیله در اجرای این عمل نمانده غیر از جنگ با داخله و رعیت خودمان که آن هم به صد هزار دلیل امکان ندارد؛ و بدانید که اگر این کار این طور نگذرد جان و آبروی من در معرض خطر است. دیگر قدرت ایستادگی ندارم و می‌ترسم مجبور شوم که استعفا کنم و اگر استعفای مرا نپذیرند خود را تلف کنم.<sup>۳۰</sup>

امین‌السلطان در موقعی دیگر تأکید کرده بود که همه دشمنان دولت ایران از فرصت

۲۸. نیکی کدی، همان، ص ۱۴۱.

۲۹. ابراهیم صفایی، نامه‌های تاریخی... همان، ص ۴۷.

۳۰. ابراهیم صفایی، اسناد سیاسی... همان، سند شماره ۸، ص ۳۸.



مغازه قلیان‌سازی در طهران قدیم [۳۸۳۸-۱]

مخالفت با شرکت تنباکو برای پیوستن به یکدیگر به منظور سرنگون کردن دولت ناصرالدین شاه بهره‌برداری کردند.<sup>۳۱</sup>

امین‌الدوله مشاور نزدیک ناصرالدین شاه می‌نویسد: «در جریان رژی نزدیک بود اساس سلطنت ناصرالدین شاه از بین برود؛ مردم بهانه به دست آوردند که شکایتهای دیگر را از این نقطه اظهار کنند.»<sup>۳۲</sup>

مؤلف کتاب تحریم تنباکو در ایران این نهضت را مبارزه سازمان‌یافته‌ای در جهت مخالفت با دولت می‌شناسد که منحصراً متوجه امتیاز تنباکو نبوده بلکه نقطه‌ضعفهای بیشتری را آماج حمله خود داشت. و می‌گوید جنبش مزبور دارای خصلت کلی و علل و غایتی و رای مسئله تنباکو بوده است. و در جای دیگر، به نقل از گزارش دوبالوآ وزیرمختار وقت فرانسه در ایران، عکس‌العمل شدید مردم تهران در اعتراض به تبعید میرزای آشتیانی را که به خون نیز کشیده شد نه طغیان که یک انقلاب می‌شمارد.<sup>۳۳</sup>

۳۱. نیکی کدی، همان، ص ۱۴۲.

۳۲. خاطرات سیاسی امین‌الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰. صص ۱۴۴ و ۲۴۹.

۳۳. نیکی کدی، همان، تحریم تنباکو در ایران، ص ۱۴۳۰.

حامد الگار می نویسد:

آن هیجان، صرفاً اعتراض علیه یک اقدام مخصوص حکومت نبود برای اینکه هرچند کانون آن، مسئله انحصار تنباکو بود اصلاً مقابله‌ای بود میان مردم و دولت که در آن رهبری علما، اراده و مفهوم تازه‌ای از رهبری را نشان داد.<sup>۳۴</sup>

فریدون آدمیت می نویسد:

اعتمادالسلطنه وزیر دولت در روزنامه خاطرات می نویسد مردم از زن و مرد و عالم و عامی در این کار سخت ایستادند. اینکه در اعلامنامه دولتی گفته شده اگر کار تنباکو موقوف نشود جهاد خواهد شد، در واقع اعلان جنگ ملت بر دولت بود. در ورقه‌ای که در شهر منتشر شد تهدید رفته بود که ای ناصرالدین شاه، همه رعیت از وضع اغتشاش آمیز این دولت و سلطنت به ستوه آمده‌اند. اگر در سوراخ جانوری پنهان شوی بیرون آوریم و خونت بریزیم. مفهوم چنین بیاننامه‌ای خیلی وسیع‌تر و جامع‌تر از قضیه تحریم دخانیات بود، به حقیقت دلالت روشن داشت بر طغیان عمومی علیه اصول حکمرانی. دیگر اینکه آن سخن می‌رساند که دستگاه حکومت اعتبار و حرکت معنویش را در افکار عام به کلی از دست داده بود.<sup>۳۵</sup>

بعد از فسخ قرارداد رژی، اعلامیه‌های تهدیدآمیزی، خطاب به شاه و دولتمردان، پخش شد که در یکی از آنها آمده بود:

... ای ناصرالدین شاه، اکنون که وضع بی‌اعتدالانه این دولت و سلطنت مشهور خاص و عام گردید که رعیت را در این دولت از هیچ رو حق شکایت و دادخواهی هم نخواهد بود، ما هم به فکر کار خود افتاده تهیه لوازم جنگ و استعداد مقابلی با توپ و تفنگ تو را دیده... هرگاه داستان رفع امتیاز بازیچه و صوری از کار درآمد و معلوم شد همه این اوضاع مبنی بر خدعه و فریب رعیت است، هر وقت باشد با جمعیت و استعدادی که هرگز گمان نداری خروج نموده و اگر در سوراخ جانوری پنهان باشی بیرون آورده خونت را خواهیم ریخت.

## روحانیون ایالات و مبارزه بارژی

دامنه نهضت به ایالات کشیده شد و عرصه بر کمپانی و هیئت حاکمه تنگتر گشت. نهضت ایالات، در واقع، شمارش معکوس مرگ رژی بود. ابتدا آذربایجان و تبریز بپا

۳۴. حامد الگار. نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶.

۳۵. فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، همان، ص ۱۴۳۰.





خواستند. در تبریز آگهیهای کمپانی را از دیوارها کنده به جایشان نوشته‌های شورانگیز چسباندند و عمال کمپانی را از شهر بیرون راندند. کمپانی برای دلجویی خواست کارکنانش در آذربایجان از مردم محل باشند؛ اما مردم نپذیرفتند و به رهبری آقامیرزا جواد مجتهد متنفذ تبریز، نزدیک به بیست هزار نفر مسلح خود را برای مقابله با هر پیشامدی آماده ساختند.

در شیراز حاج علی اکبر فال اسیری روی منبر، ضمن تشجیع مردم به مبارزه، شمشیری از زیر عبا درآورده فریاد کشید: مردم، موقع جهاد عمومی است؛ بکوشید تا جامه زنان نپوشید. من دو قطره خون دارم؛ هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.

در اصفهان از مدتی قبل خرید و فروش دخانیات را علمای شهر منع کرده مردم را به مقاومت منفی فرا خواندند. در نتیجه، تجار تنباکوهای خود را آتش زدند.

در کلاردشت سیدی به نام عالمگیر قیام و مردم را دعوت به شورش نمود و شورش بزرگ پدید آورد به طوری که برای مقابله با وی نیروی نظامی اعزام شد.

جالب اینکه «در همه جا ملایان پیشگام می‌بودند.»<sup>۳۶</sup>

در اینجا به چند سند گویا از وقایع ایالات توجه فرمایید:

ناصرالدین شاه در تلگرافی در آغاز واقعه رژی به ظل السلطان حاکم اصفهان می‌نویسد:

... تنباکو چرا حرام می‌شود؟ زارع مسلمان، فروشنده مسلمان، خریدار مسلمان، دیگر جهت تحریم او را نفهمیدیم چه چیز است؟ و چرا باید نجس باشد؟ همینکه اسم کمپانی انگلیس روی تنباکو باشد به چه سبب باید نجس بشود؟ پس قند و چای و امتعه و اقمشه و این همه متاعهای فرنگی که در همه بازارهای شهرها ریخته است و همه کس می‌خرد و استعمال می‌کند باید تمام—ایران و دنیا نجس و نجس العین شده باشند. چرا باید علما و مردم حرفی بزنند که اینقدر بیمعنی و سخیف باشد؟ مثلاً بانک را بد بدانند! این چه حرف رکیک بیمعنی است؟<sup>۳۷</sup>

و در نامه‌ای دیگر به امیرنظام گروسی پیشکار آذربایجان می‌نویسد:

در اینجا با کمیانی خیلی مذاکره شد. چند روز است که شب و روز امین السلطان مشغول گفت و گو است. من خودم هم قدری حرف زده‌ام. کمپانی می‌گوید موقوف

۳۶. احمد کسروی، تاریخچه چاق...، همان، ص ۲۸.

۳۷. ابراهیم صفایی، اسناد سیاسی...، همان، صص ۱۳-۱۴.

کردن به هیچ وجه امکان ندارد؛ زیرا که با دو سه کمپانی فرانسه و عثمانی کتترات بسته و تنباکو فروخته ام و کرورها تنباکو در شیراز و کاشان و طهران و غیره و غیره خریده ام؛ اما کار آذربایجان هر نوع تسهیلات بخواهند می کنم. مثلاً حرف آنها در فرنگی است؛ ما مورین فرنگی خود را بر می داریم سهل است از خارج مذهب هیچ نمی گذارم. کارهای آذربایجان را به خود آذربایجانیها رجوع می کنم؛ تاجر، سید، ملا، هر کس را مجتهد معین می کند، طوری می کنم که کار آذربایجان با خود آذربایجانی باشد. در وضع خریدن یا فروختن هر عیبی به نظر علما آمده است بگویند رفع می کنم؛ به طوری اصلاحات می دهم که خود مجتهدین راضی شوند. این است حرفهای کمپانی.<sup>۳۸</sup>

ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه تحریکات علمای اصفهان بر ضد قرارداد رژی را چنین به شاه گزارش می دهد:

در اینجا هر جا فرنگی را می بینند داد و فریاد می کنند. در این دو روزه در میدان مصلی، که در تخت فولاد است، اجماعی کرده اند که بر منبر رفته بر ضد دولت در باب تنباکو و بانک و غیره مطالب بگویند. آن جماعت چون خارج و نزدیک جلفا بود غلام بسیار متوحش شد که اسباب اغتشاش کلی نشود؛ رکن الملک و کریمخان میرپنجه را با سوار فرستاد و آن جمعیت را پراکنده کرد و مشایخ را مانع از رفتن به آنجا شد؛ ولی این غلام نمی دانست در منبر و مسجد و خانه شان چه می گویند و در مجلس درس چه مذاکره می نمایند؟ در اینجا کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را کافر واجب القتل و نوکر و بستگان آنها را نجس العین اعلان کرده اند. زیاده بر آنچه تصور شود اظهار فضولی و جرئت کرده اند و کلمات ناشایسته به زبان آورده اند به خصوص شیخ محمدعلی برادر آقاجفی. این غلام هم در همه جا بیش از قوه خود جلوگیری از آنها کرده همه اعلانات را کند... اگرچه این غلام ناخوش است، افتاده و گرفتار پادرد و همه جور مرض است؛ اما برای نثار جان در راه ولینعمت و انجام فرمایشات همایونی به هرچه حکم بفرمایند اطاعت می کنم و انجام می دهم و جان خود غلام در آن راه تصدق شود اسباب افتخار باز ماندگان است. غلام بیمقدار، مسعود قاجار. ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹<sup>۳۹</sup>

شاه در جواب ظل السلطان می نویسد:

ظل السلطان، تلگراف شما را الان، که شب دوشنبه است، ملاحظه کردم. اولاً از ناخوشی و کسالت شما بسیار بسیار ملول و افسرده و مشوش شدم. ان شاء الله

تعالی به زودی رفع کسالت خواهد شد. از سلامتی خودتان هممروزه تلگرافی به عرض برسانید... هر قدر قشون از هر جنس، سواره و پیاده، توپخانه و قزاقخانه بخواهید برای تنبیه اشرار و الواط، فوراً به عرض برسانید فوراً فرستاده بشود. و سیاستی و تنبیهی از اشرار و الواط باید بکنید که سالهای دراز یادگار بماند. ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۰۹. شاه ۴۰

ناصرالدین شاه در هنگام اوج مخالفت با رژی به امین‌السلطان می‌نویسد:

امین‌السلطان، محرمانه و شخصاً با وزیر مختار صحبت بکنید و همچنین با رئیس دخانیات حرف بزنید که وضع کار را شما که بهتر از ما می‌بینید، می‌بینید که آخوندها چه می‌کنند، از آخوندهای عراق عرب الی همه ایران. آذربایجان که آن طور شد و اگر ما بخواهیم به زور اسلحه رژی را در آنجا مستقر و مستقل نماییم البته باید با تمام رعیت آنجا مشغول جنگ بشویم. البته عیوبیات داخلی این جنگ آذربایجان را می‌دانید که چه چیزهاست؛ همان سرحد روس بودنش کفایت می‌کند. آنجا که این عمل رواج نگیرد در حقیقت سکنه بزرگی به کار رژی می‌رسد و بیمعی می‌شود. سایر بلاد را هم که می‌بینید: گاهی اصفهان، گاهی شیراز، گاهی مشهد، کرمان بلکه همه جا در شورش و انقلاب است. اگرچه شهری و مملکتی را به تهدید و تنبیه ساکت می‌کنیم؛ اما این سکوت موقتی است و ابداً تمام نشده و نخواهد شد. این بازی تازه راهم که علما در آورده غدغن کشیدن و حرام کردن تنباکورا کرده‌اند و مردم اطاعت کرده و نمی‌کشند. این خود، یک شورش و نافرمانی ساکت و پنهان است. مردم تا کی نمی‌توانند قلیان نکشند؟ آن وقت شاید به کارهای دیگر بدتر دست بزنند. در هر صورت، این وضع حالیه رژی هیچ فایده برای شما ندارد بلکه بالاخره می‌ترسم در ولایات صدمه‌ای به شما بخورد که برای ما بدنامی تا قیامت بماند. پس بهتر این است که این کار را به طرح دیگری بیاوریم که رژی و انحصاری و ید واحد نباشد و شما هم ضرر نکنید و دولت ایران هم ضرر نکند. کار از این وضع شورش و همه‌هم بیرون برود. ۴۱

از تلگرافخانه اصفهان این خبر را به دربار گزارش می‌کنند:

دیروز، شنبه، از طرف آقاجفی و شیخ محمدعلی اعلانات چندی درب مساجد و معابر چسبانیده استعمال تنباکورا حرام و حمایت‌کنندگان فرنگی را مرتد و عمله‌جات دخانیات را نجس خوانده و نوشته‌اند کسی از این جماعت را که دخالت در کار فرنگی دارند به حمام و مسجد و سقاخانه راه ندهند. در حمامها و

قهوه‌خانه‌ها و مجالس علما و تجار و غیره قلیان موقوف است. طلبه‌ها در هر نقطه که قلیان دیده شکسته‌اند؛ حتی در میان خود مذاکره دارند که باید اجماعاً رفت و قهوه‌خانه حضرت والا (ظل‌السلطان) را بر هم چید. هر جا فرنگی دیده می‌شود مردم دنبالش کرده داد و فریاد می‌نمایند. دیروز جمعی فرنگی را دنبال کرده هرزگی و بعضی حرفها زده بودند. ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ ۴۲

## فسخ قرارداد رژی

عاقبت پس از مبارزات بی‌امان ملت مسلمان ایران به رهبری روحانیت پیشرو و در رأس آن، یگانه مرجع تقلید زمان، دستگاه جبار ناصرالدین شاهی و کمپانی رژی تسلیم شده به فسخ آن رضایت دادند. در نامه‌ای که به دستور و طبق نظر شاه به رئیس اداره دخانیات نوشته شده می‌خوانیم:

مقرب‌الخاقان مسیو آرنستین رئیس اداره دخانیات، زحمت اظهار می‌دارد به مقتضای وقوعات فوق‌العاده که در باب منوپل [انحصار] دخانیات سمت ظهور یافت و خود شما کاملاً اطلاع دارید، دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ناچار و با تأسف منوپل دخانیه را که به کمپانی مرحمت شده بود فسخ فرمودند و طبعاً در باب خسارت و مصارف حق کمپانی شما، که در عمل امتیاز مزبور وارد آمده و صورت صحیح آن را زودتر به اولیای دولت ایران خواهید فرستاد، بی‌فوت فرصت، دقتهای لازم شده و قرار آدای آن داده خواهد شد. ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۰۹ ۴۳

فسخنامه قرارداد رژی، که به فارسی و انگلیسی تنظیم و وزیر مختار انگلیس در تهران، سر فرانک لاسلس آن را امضا نموده، چنین است:

دولت علیه ایران الی چهار ماه از غرة رمضان مبلغ پانصد هزار لیره انگلیسی به کمپانی در مقابل دعاوی کمپانی در فسخ عمل مزبور کارسازی خواهند نمود. کمپانی جمیع مستملکات خود را از تنباکوی داخله و باغ و عمارت مشهور به ایلخانی واقع در طهران و مبل و اسبابی که در طهران و سایر وکالتخانه‌های کمپانی موجود است و ماشین و لوازم توتون و تنباکوسازی و غیره دارند تسلیم کارگزاران دولت ایران خواهند کرد. و کمپانی متعهد است به یک شخصی که بر ضمانت دولت ایران و وزیر مختار انگلیس تعیین شود ثابت نماید مایملکی که به دولت ایران



علی اصغر خان اتابک اعظم در حال کشیدن قلیان به اتفاق عده‌ای از مقامات و رجال دربار [۱۲۴-ط]



واگذار می‌شود یکصد و سی و نه هزار لیبره انگلیسی به کمپانی تمام شده است. تصدیق آن شخص حتمی است و کمبود را فوراً به دولت ایران نقد عاید می‌دارند.<sup>۴۴</sup>

## نتایج و پیامدهای نهضت تحریم تنباکو

۱. نشان قدرت و نفوذ روحانیت در بین مردم، احساس خطر غریبها و سعی در از بین بردن آن نفوذ مقاومت مردم مسلمان ایران در برابر انحصار تنباکو و مضرات ناشی از آن، که به رهبری علما و خصوصاً میرزای شیرازی به پیروزی رسید، زنگ خطر جدی برای استعمار و استبداد را نواخت. لذا آنان، از آن به بعد، نفوذ روحانیون بین مردم را ساده نگرفتند و اقسام دسایس و حيله‌ها را جهت کوبیدن علمای دین به کار بردند. بخشی از این دسایس را می‌توانیم در کتابی تحت عنوان راههای نفوذ و منهدم ساختن استقلال کشورهای مسلمین، که از سوی وزارت مستعمرات انگلستان طبع و به دست جاسوسها و عوامل نفوذی جهت اجرا داده می‌شد، می‌خوانیم. این کتاب طبق اعتراف یکی از این جاسوسهای کارکشته، «کتابی هزارصفحه‌ای بود که در آن نقاط ضعف مسلمین و نقشه‌های مختلف در انهدام استقلال آنان نوشته شده بود و آن کتاب نتیجه گزارشهای مختلف و برخوردهای کارمندان و جاسوسان وزارت مستعمرات با مقامات سیاسی و مذهبی مسلمانان بوده است.»<sup>۴۵</sup>

در کتاب مذکور جهت از بین بردن نفوذ روحانیون چنین ارائه رهنمود شده است:

برای ادامه جهل مسلمین، باید از افتتاح مدارس و انتشار کتاب جلوگیری کرد. کتابهای مسلمین را باید سوزاند و مردم را باید نسبت به مدارس دینی بدبین کرد که فرزندان خود را در آن مدارس نگذارند. و تنها راه اجرای این نقشه، ایراد اتهامات نابجا به رجال دین است. ترویج اینکه اسلام فقط دین عبادت است و قانون و تشکیلات اداری لزومی ندارد. ارتباط و علاقه مسلمین با علماء مذهبی باید تضعیف شود و برای این منظور باید تهمت‌های زیادی به علمای اسلامی زد و حتی بعضی افراد را باید استخدام نمود که به لباس علماء اسلامی درآیند و اعمال خلاف بسیار زننده انجام دهند تا مردم به این طبقه بدبین شوند؛ و باید یک عده از این مأمورین را در الازهر مصر و نجف داخل کرد. و راه دیگر اینکه باید مدارس بچه‌گانه به وسیله کارمندان وزارت مستعمرات در کشورهای مسلمان ایجاد شود و اطفال را ضد علماء و روحانیون اسلامی تربیت کرد و به آنها تلقین کرد که روحانیون سرگرم

۴۴. همان، ص ۷۳.

۴۵. همفری. وهابیت ایدة استعمار (یادداشت‌های جاسوس انگلیس مستر همفری). ترجمه سید احمد علم‌الهدی.

تهران، انتشارات یاسر، ۱۳۶۰، ص ۷۶.

لذائد و عیش و نوش بوده پول ملت را صرف خوشگذرانی می‌کنند. باید مسلمین را نسبت به وجوب جهاد به شک انداخت که جهاد در زمان رسول خدا واجب بود و هم اکنون واجب نیست. باید مسئله سیادت و انتساب به پیامبر از بین مسلمین رخت بریندازد زیرا عده‌ای به عنوان اینکه منسوب به پیامبرند مورد احترام مردم هستند و آن را به یاد خود پیامبر می‌اندازند و خاطره و احترام پیامبر را بین مسلمین تجدید می‌کنند؛ باید در نسب این اشخاص تشکیک کرد و عمامه سبز یا سیاه که علامت این افراد است از اختصاص آنها درآورد و افراد غیرسید را واداشت که این عمامه‌ها را به سر بگذارند و یک عده سادات قلابی که مردم آنها را می‌شناسند سید نیستند در بین اجتماعات باید ظاهر کرد تا اینکه نسبت به سایرین هم، افراد مشکوک شوند و کم‌کم این امتیاز ظاهری این عده لغو گردد. این طرح برای از بین بردن نفوذ علمای مذهبی هم مؤثر است زیرا وقتی لباس و عمامه، که امتیاز ظاهری و اونیفورم آنان است، تحت عنوان لزوم اتحاد شکل از آنها گرفته شد کم‌کم موقعیت اجتماعی آنها هم از بین می‌رود و از نفوذ آنان کاسته می‌شود. برای انجام این دستورات ۱۰۰ هزار نفر باید استخدام شوند.<sup>۴۶</sup>

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه خطی خود می‌نویسد: «۲۵ جمادی الثانی ۱۳۰۹، جارچی در کوچه و بازار جار می‌کشید که حکم جناب میرزای شیرازی رسید که حرمت قلیان برداشته شد؛ اجازه استعمال دادند. همه مردم قلیان کشیدند. آفرین بر قلم میرزا که بیشتر از سرنیزه دولت اثر دارد.»<sup>۴۷</sup>

شهید بزرگوار، مرحوم سید حسن مدرس، در کتاب زرد خود بعد از ذکر پیروزی مردم به رهبری علما بر کمپانی رژی می‌نویسد:

... مأموران آشکار و مخفی امپراطوری (انگلیس) چند برابر شدند تا قدرتی که قرارداد را برهم زده بشناسند و معلوم بود که از آن پس روحانیت اسلام مورد غضب انگلیسیها قرار خواهد گرفت و کمر به نابودی و تضعیف آنان خواهند بست. من خود وقتی در نجف با میرزا صاحب فتوی این مطلب را در میان گذاشتم تصدیق کرد و قطرات اشک را در چشمانش دیدم و این گریه در زمانی بود که انقلاب تنباکو به موفقیت و پیروزی رسیده بود. گفت: «سید تو نگذار چنین اتفاقی بیفتد.» با بیان او کارم سخت و صعب‌تر شد... وظیفه شرعی خود را حفظ عظمت علمای اسلام تشخیص داده بود.<sup>۴۸</sup>

۴۶. همان، ص ۷۷.

۴۷. مهدی بامداد. تاریخ رجال ایران. تهران، انتشارات کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷. ج ۱، ص ۳۳۸.

۴۸. نقل از فصلنامه یاد، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، س ۵، ش ۲۰، ۱۳۶۹، ص ۱۱۵.

مرحوم امام امت در کتاب شریف کشف الاسرار می نویسد:

اروپاییان از سالهای بس طولانی این نکته را دریافتند که با نفوذ روحانیت ممکن نیست به آسانی بتوانند استعمار ممالک اسلامی کنند و منابع ثروت آنها را بر بایند. و چنین تشخیص دادند که ریشهٔ علاقه مندی توده به دین، تبلیغات روحانین اسلام است. دیدند برای یک پیمان دخانیات با آن محذورات بزرگ زمان ریاست مرحوم میرزای شیرازی مواجه شدند و عاقبت نتوانستند مقصد خود را عملی کنند و از آن روز درس خود را برای همیشه خواندند و فهمیدند با نفوذ اینها نمی شود معادن ثروت این ممالک را برد. ناچار با تمام قوا و تدبیرات عملی، با دست خود ایرانیان مشغول شدند که هر چه ممکن است زودتر قوهٔ روحانیت را از بین ببرند یا دست کم از نفوذ آنان بکاهند.<sup>۴۹</sup>

نویسندهٔ کتاب ایران در دورهٔ سلطنت قاجار می نویسد:

نیروی طبقهٔ روحانی تنها نیروی مقاوم در برابر رژیم بود... دلیل منطقی برای قدرت تأثیر مقاومت نیروی روحانی این است که هرگونه مقاومتی در برابر قدرت دولت در صورتی پیروز می شده که به اکثریت مردم متکی باشد و روح و قلب و ایمان اکثریت مردم در اختیار طبقهٔ روحانی بود و تنها مقاومتی به ثمر می رسید که رهبران و گردانندگان آن روحانیون بودند... یکی از جلوه های نفوذ و قدرت معنوی این طبقه، مداخله در امر توتون و تنباکو و تحریم استعمال آن بود که ناصرالدین شاه را در برابر این نیروی عظیم و مؤثر به زانو درآورد.<sup>۵۰</sup>

شیخ رضا زنجانی می نویسد:

ملل اجنبی فهمیدند که به مجرد اغفال بعضی کارگزاران مملکت، مالک ایران نمی توانند شد؛ دیگران نیز حساب کار خود را نمودند... بالجمله، کلمهٔ ملت در ایران و سایر بلاد دوباره قوت نفوذ یافت، روحانیون یک بر چندین بر مقامشان نزد دولت افزوده شد و توجه خاطر شاه به تعظیم از مقام روحانیت بیشتر شد.

با افزایش قدرت و نفوذ روحانیون، مردم علاقه مند شدند یکی از فرزندان خود را جهت تحصیل علوم دینی و روحانی شدن روانهٔ حوزه های علمیه نمایند. کسروی می نویسد:

چون روحانیون از این کشاکش فیروز درآمدند و آن پیشرفت شگفتی که فتوای

۴۹. امام خمینی. کشف الاسرار. تهران، انتشارات محمد، بی تا. ص ۳۳۰.

۵۰. علی اصغر شمیم. ایران در دورهٔ سلطنت قاجار. تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۲. صص ۲۸۸ و ۳۵۳.



میرزای شیرازی در میان مردم یافت بسیاری از بازرگانان و کشاورزان و درباریان را واداشت که پسران خود را برای درس خواندن و مجتهد شدن به نجف و سامرا فرستند. از همه شگفت‌تر کار درباریان سودجو بود که هر یکی از آنان که چند پسر می‌داشت، یکی را به درس خواندن می‌فرستاد که مجتهدی در خاندان ایشان باشد که هم از زور بازوی دربار سود جویند و هم از پاسداری [ای] که مردم را به ملایان می‌شود بهره یابند.<sup>۵۱</sup>

شیخ حسن کربلایی می‌نویسد:

پس از اینکه کار استعمال دخانیات دوباره بر اوج نخستین برگشت... فرنگیانی که به آرزوهای دور و دراز به ایران نقل و تحویل داده بودند، همین مقدار که جانی به سلامت از دست ایرانیان بدر بردند فوزی عظیم شمردند و رشته طمع خامشان از ایران گسسته و لباس اقامتشان را در هم پیچیده. و بار سفر بستند؛ دسته‌دسته سر خود به دو دست گرفته از ایران به ناکامی و حسرت بیرون رفتند.<sup>۵۲</sup>

ادوارد براون می‌نویسد: «از این کار پلید (امتیاز تنباکو) یک چیز مفید بیرون آمد، مردم ایران به پیشوایان روحانی خود رایگان شدند.»<sup>۵۳</sup>

ژنرال سرپرسی سایکس (رئیس پلیس جنوب) می‌نویسد:

هیجان و آشوب بر ضد رژی تنباکو ثابت نمود نفوذ آنها (مجتهدان نجف و کربلا) را باید یک قوه بزرگی به شمار آورد... ایرانیان همیشه به من گفته‌اند که انحصار تنباکو یک ضربه سنگین به حیثیت و اعتبار معنوی بریتانیای کبیر وارد آورده.<sup>۵۴</sup>

بسیار جالب توجه است که پس از پیروزی مردم، سیاست استعماری انگلستان دست به حرکتی مذبوحانه برای تبعید میرزای شیرازی از نجف زد؛ اما خیلی زود از عملی ساختن نقشه شوم خود به هراس افتاده از آن دست کشید. میرزا اسدالله خان ناظم‌الدوله دیبا، سفیر ایران در استانبول، طی نامه‌ای محرمانه، بعد از فسخ رژی، به امین‌السلطان می‌نویسد:

تصدقت بشوم، به قراری که اطلاعات صحیحه حاصل شده، این روزها دو نفر انگلیسی به بغداد رفته والی آنجا را می‌خواهند با بعضی تحریکات و تفتینات به مقام تبعید جناب میرزا حسن شیرازی بیاورند. کارگزاران بغداد هم صوابدید

۵۱. احمد کسروی، تاریخچه چاق... همان، ص ۳۰.

۵۲. شیخ حسن کربلایی، همان، ص ۱۴۹.

۵۴. سرپرسی سایکس، همان، ج ۲، صص ۵۴۴-۵۴۷.

۵۳. ادوارد براون، همان، ص ۵۷.



انگلیسیها را خیرخواهانه به جا آورده در این صدد بوده‌اند که جناب معظم‌الیه را تبعید کنند. از این قرار، روسها مطلع شده به قنصل بغداد خودشان می‌نویسند هر طور است والی را از این صرافت بیندازند. مشارالیه هم پیش والی رفته با تقریب صحبت می‌گوید: «شنیدم شما چنین خیالی دارید؛ خیرخواهانه می‌گویم به صرفه شما نیست در چنین موقعی که تمام قبایل عرب به شما اظهار تمرد می‌نمایند هنوز آنها را مطیع و منقاد نکرده‌اید و اطمینان از طرف آنها به شما حاصل نشده این مسئله را شما ایجاد نمایید. می‌دانید که نصف بیشتر اهالی عراق شیعه هستند؛ اگر شما در این موقع دست به ترکیب میرزای شیرازی بزنید تمام شیعه‌ها به شما خواهند شورید؛ و شما با این استعداد حاضر که نمی‌توانید رفع اغتشاش و تمرد قبایل را نمایید چگونه می‌توانید به شیعه‌ها غالب شوید؟» والی بعد از شنیدن این مذاکرات از تبعید جناب میرزا صرف‌نظر می‌نماید. ۵۵

## ۲. بیداری ملت و اعتماد آنان به قدرت جماعت و دلبستگی به وضع مملکت

استبداد که در تصور مردم شکست‌ناپذیر می‌نمود با شکست در این جریان، سطوت خود را از دست داد و مردم دریافتند که در یک بسیج همگانی و خیزش عمومی قادرند آرمانهای خود را پیش برده حق خود را به دست آورند و استبداد را به اطاعت وادارند. لغو امتیاز آن ابرقدرت استعمارگر به مردم آموخت که در صورت تشکل و تداوم نهضت، علاوه بر استبداد، می‌توان بر استعمار نیز فائق آمد.

توده، زور خود را داشته، این فهمیدند که اگر دست به هم دهند و بشورند دولت در برابر ایشان کاری نخواهد توانست. تا آن روز در ایران چنان شورشی رخ نداده و مردم به چنین توانایی در توده پی نبرده بودند. نیز مردم به کارهای توده و کشور دلبستگی پیدا کرده این دانستند که پادشاه و وزیران در بند سود توده نمی‌باشند و فریب به آن آشکاری از بیگانگان می‌خورند و آن خوش‌گمانی که به شاه و وزیران می‌داشتند و خرد چهل مرد را در یک وزیر و خرد چهل وزیر را در یک شاه می‌پنداشتند از میان رفت. ۵۶

ادوارد براون می‌نویسد:

مردم ایران با یک راهنمایی خردمندانه کامل و خویشتنداری شگفت‌آوری نشان دادند که صبر و شکیبایی را حدی است و مخلوق بیجانی چنان که تصور شده بود

۵۵. ابراهیم صفایی، اسنادسیسی...، همان، ص ۶۴.

۵۶. احمد کسروی، تاریخچه چچی...، همان، ص ۳۰.



نیستند و از این پس، آنها با تفکر و حساب سر و کار خواهند داشت. به ویژه، بیداری ملی را به عقیده من از آن تاریخ باید آغاز شده دانست... حیثیت انگلستان دستخوش تضييع سنگين از شکست احمقانه و خنده آور تنباکو گردید.<sup>۵۷</sup>

مورخان آمریکایی معترف اند که «تاریخ مداخله توده های مردم در صحنه سیاست ایران با تحریم تنباکو به تبعیت از فرمان میرزا حسن شیرازی آغاز شد.»<sup>۵۸</sup>  
 دکتر مهدی ملک زاده (فرزند ملک المتکلمین) در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت می نویسد:

بدون تردید، انقلابی که در نتیجه واگذاری انحصار دخانیات به یک شرکت انگلیسی روی داد یکی از بزرگ ترین حوادث دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه بود و این نهضت عمومی، که جنبه صرفاً مذهبی داشت، در تحولاتی که سپس در ایران روی داد و به انقلاب مشروطیت منتهی شد تأثیر بسزایی داشت.<sup>۵۹</sup>

سید احمد کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران می نویسد:

پس از شش ماه شور و تکان، داستان به پایان رسید. این را می توان نخستین تکانی در توده ایران شمرد و این، اگرچه با دست علما بود و همچشمی دو همسایه بی هنایش [بی تأثیر] نبود، خود پیشاً مد ارجداری به شمار است و باید در تاریخ یاد آن بماند. نخستین تکان در توده و آغاز بیداری در میان مردم از پیشاً مد امتیاز توتون و تنباکو پیدا شد... مردم از پیشاً مد تنباکو تکانی خورده و به سود و زیان کشور دلبستگی پیدا کرده بودند.<sup>۶۰</sup>

ناظم الاسلام کرمانی می نویسد: «ملت به خود آمده و اندکی رو به بیداری کرده؛ چه، از این ارتفاع امتیاز رژی ملت ایران دانست که می شود در مقابل سلطنت ایستاد و حقوق خود را مطالبه کرد.»<sup>۶۱</sup>

قتل ناصرالدین شاه را از زاویه بیداری ملت در نتیجه تحریم تنباکو باید نگریست، می نویسند:

ترور ناصرالدین شاه (۱۷ ذی قعدة ۱۳۱۳) ماهیتی به کلی ممتاز از داستانهای

۵۷. ادوارد براون، همان، ص ۵۷.

۵۸. «سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کیمبریج. گاوین همبلی و دیگران. ترجمه عباس مخبر. تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۲. ص ۳۲۴.

۶۰. کسروی، تاریخ مشروطه...، همان، صص ۱۷، ۲۱، ۳۸.

۶۱. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ص ۵۷.

پادشاه کشتی تاریخ گذشته دارد. پیش از آن، برخی تاجداران و امیران در نبرد قدرت طلبی خانوادگی کشته شدند، به دست سرکشان برافتادند و به تیغ سرداران و گماشتگان خویش جان سپردند. در این حادثه‌ها منطق اجتماعی سهمی نداشت؛ اما حالا تأثیر تاریخ متحول را در قضیه قتل ناصرالدین شاه درک می‌کنیم. کشته‌ای او با هدف مشخصی بدان کار دست برد. او در محاکمه خود بنیاد ستمگری را محکوم کرد و خود را متکی به اراده عام شناخت و گفت: «همعقیده من در این شهر و مملکت بسیار هستند؛ در میان علما و وزرا و امرا و تجار و کسبه و جمیع طبقات بسیار هستند.» از او پرسیدند ظلمی که بر او رفت از نایب السلطنه بود نه از پادشاه پس چرا او را نکشتید و شاه را شهید کردید؟ جواب داد: «باید قطع اصل شجر ظلم را کرد نه شاخ و برگ را.» باز تکرار کرد «شجر ظلم را از بیخ باید انداخت؛ شاخ و برگ بالطبع خشک می‌شوند. حال که این کار به دست من جاری شد یک بار سنگین از تمام قلوب برداشته شد، مردم سبک شدند.»<sup>۶۲</sup>

طرح برقراری جمهوری اسلامی و نهضت مشروطیت را نیز باید از پیامدهای بیداری توده ملت در نتیجه نهضت تنباکو دانست. در حقیقت، سه مسئله بسیار مهم که صفحات درخشانی در تاریخ ایران باز کرده‌اند - یعنی قتل ناصرالدین شاه، طرح برقراری جمهوری اسلامی و نهضت مشروطیت - تبلور عینی و عملی بیداری ملت هستند. در مورد دو موضوع قتل ناصرالدین شاه و نهضت مشروطیت مطالب و کتب متعددی به نگارش درآمده‌اند اما طرح برقراری جمهوری اسلامی با سکوت مورخان مواجه شده است. جالب است که گزارش‌دهنده و اعلام‌کننده آن سفیر انگلیس در زمان مظفرالدین شاه می‌باشد. وزیر مختار انگلیس در تهران، مستر هاردینگ، در گزارش محرمانه شماره ۱۳۶ مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۰۱ (یعنی سیزده سال بعد از نهضت تنباکو) به لندن چنین می‌نویسد:

پیرو گزارش شماره ۱۲۴ مورخ ۱۸ اوت، به استحضار می‌رساند که در چند روز اخیر عده‌ای به جرم انتشار اوراق ضد دولتی بازداشت گردیده‌اند... بین دستگیرشدگان، عده‌ای سادات روحانی و معلمین مدارس نیز می‌باشند... بدیهی است توطئه چینی و ارتباط اینان با ناراضیان، که از طبقه تحصیلکرده و مجتهدین می‌باشند، درخور اهمیت است... از منابع دولتی و سایر مراجع گزارش می‌رسد که اوراق به دست آمده حاکی از توطئه ریشه‌داری می‌باشد... نظر بر این بوده است که اغتشاشاتی به بهانه

۶۲ فریدون آدمیت، همان، ص ۴۹. جهت شرح ترور ناصرالدین شاه ر.ک: مستوفی، شرح زندگانی من، همان، ج ۱، صص ۵۳۳-۵۳۴ و ج ۲، صص ۱-۹.





انبار مرکز انحصار توتون و تنباکوی ایران در شهر طهران [۳۸۷۴-۱]

بدی وضع آب و گرانی خواربار صورت گیرد و عده‌ای از مالاها آشوب طلبان را تحریک به هجوم به کاخ شاه در شمیران نمایند و تقاضای برکناری صدراعظم و برقراری حکومت ملی نمایند. اگر این توطئه کشف نمی‌گردید اغتشاشات دو روز قبل صورت می‌گرفت؛ و عقیده بر این است که اگر اغتشاشات خنثی نمی‌شد خونریزی‌هایی واقع می‌گردید. از قرار معلوم، مقداری اسلحه بین اشخاص ناراضی پخش شده بود و تنها سربازانی که دولت بر روی آنها حساب می‌کرد قزاقهای ژنده‌پوشی بودند که آنها هم به علت عقب افتادن حقوق خود ناراضی بودند و چندصد نفر از آنها، که جزو سواره‌نظام بودند، از چند روز قبل در حال اعتصاب به سر می‌بردند. شخص بسیار مطلعی، که در مورد توطئه با او مذاکره کرده‌ام، چنین استنباط می‌کند که بدون شک این اقدام مشترکاً از طرف عده‌ای مأمورین دولتی، طبقه اشراف مخالف صدراعظم فعلی و همچنین مجامع پان‌اسلامی که از طرف شیخ جمال‌الدین (اسدآبادی) پایه‌گذاری شده در صدد برانداختن دستگاه صدراعظم و در فکر انقراض رژیم قاجاریه و برقراری رژیم جمهوری اسلامی و اتحادیه نزدیک با کشور عثمانی است.<sup>۶۳</sup>

### ۳. تجلی قدرت مرجع تقلید واحد

نظر به اینکه مرحوم میرزای شیرازی، بعد از شیخ مرتضی انصاری، یگانه مرجع تقلید شیعیان زمان خود بود، حکم او متابعت عامه یافت و تمام مردم و علما، غیر از عده‌ای انگشت‌شمار که آنان هم در مسیر پرخروش قیام مجبور به اطاعت و لااقل سکوت شدند، اطاعت از آن حضرت را بر خود فرض دانستند. اصولاً هر موقع مرجع تقلید شیعیان در شخص واحدی تبلور یابد فرامین و دستورهای وی، بسیار نافذ خواهد بود.<sup>۶۴</sup> اگر مراجع تقلید متعدد باشند، حداقل با توجه به سلیقه‌ها، امکان حرکت‌های مهم و هماهنگ ضعیف می‌شود. عنایت به مسئله علمیت در انتخاب مرجع، می‌تواند اقدامی مهم در حفظ و... پاسداری از ارزشهای اسلامی باشد.

۶۳ سازمان بایگانی عمومی انگلستان، سند شماره F.O.60637، نقل از: اسماعیل راثین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷. ج ۲، صص ۱۹-۲۴؛ اسماعیل راثین. انجمنهای سزی در انقلاب مشروطیت. تهران، انتشارات جاویدان، ۲۵۳۵. صص ۴۵-۵۰.

۶۴ این مسئله در انقلاب اسلامی ایران بسیار جالب توجه و مهم است. رمز متابعت عامه یافتن فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) (در دو بُعد رهبری و مرجعیت) را در این مسئله باید جست و جو کرد. اطاعت از فرمانهای فقهی جامع‌الشرایط که رهبری را نیز برعهده دارد فراتر از اطاعت قانونی، اطاعتی دینی و شرعی نیز هست.



حامد الگار می‌نویسد: «لغو امتیاز تنباکو که نفوذ روحانیون را افزایش داد اشتهای بسیاری از علما را تیز کرد و بر آن شدند که منشأ نفوذ را به خود اختصاص دهند... تمرکز قدرت در دست مرجع تقلید واحد، ضرب شست خود را نشان داده بود.»<sup>۶۵</sup>

با اینکه ناصرالدین شاه در مقابل یک سطر نوشته مرحوم میرزای شیرازی شکست خورده بود و در دل از این امر بسیار خشمناک بود؛ اما ابهت و مقام مرحوم میرزا چنان والا و گیرا بود که پس از فوت میرزا، شاه مجلس ترحیم برپا داشت و خود نیز شرکت نمود. عبدالله مستوفی می‌نویسد:

در دوشنبه هشتم ماه شعبان ۱۳۱۲ حاجی میرزا محمدحسن شیرازی مجتهد مقلد عموم پیروان مذهب تشیع، بدرود زندگی گفت. در تمام شهرها برای او مجالس ترحیم برپا داشتند. در تهران، گذشته از مجالس فاتحه محلات و علما، از طرف دولت در مسجد شاه مجلس ترحیم منعقد شد. ناصرالدین شاه با رجال دربار برای جمع کردن ختم به مسجد شاه رفت.<sup>۶۶</sup>

#### ۴. قرض از خارج جهت پرداخت خسارات کمپانی

با توجه به رشوه‌های کلانی که کمپانی به شاه و صدراعظم و شاهزادگان داده و نیز خرجهای هنگفتی که جهت پیشبرد اهداف خود متحمل شده بود،<sup>۶۷</sup> برای فسخ قرارداد لازم بود تمامی این مخارج اعاده شوند. لذا جهت این کار، شاه مجبور شد قرضی از بانک شاهنشاهی (متعلق به انگلیس) بگیرد و، در مقابل، عواید گمرکات بنادر خلیج فارس را فرو گذارد. در حقیقت، قرض مذکور، نه برگردن دولت که برگردن ملت افتاد؛ چون قرض و بهره آن نه از جیب شاه و وزرا بلکه از منابع ملت ایران باید تأدیه می‌شد. ملت ایران تاوان کج‌اندیشیها و ندانمکاریهای خاندان قاجار را می‌دادند.

مجدالاسلام کرمانی می‌نویسد:

نخستین قرضی که به گردن دولت ایران ماند قرض رژی است. بعد از آنکه فرمان پادشاهی بر فسخ امتیاز صادر شد و مقرر گردید تمام خسارات کمپانی پرداخت شود. از جمله عجایب عالم است؛ وای کاش به دست ما می‌آمد تا عیناً در این کتاب درج کنیم. اول تقدیمات شاه و وزرا و شاهزادگان را نوشته بودند و معلوم می‌شد آنکه از همه کمتر فایده برده خود شاه بوده است. بعد از آن، تقدیمات به سایر رجال

۶۵. حامد الگار، همان، ص ۳۰۵؛ و نیز ر.ک: سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی...، همان، ص ۲۳۶.

۶۶. عبدالله مستوفی، همان، ج ۱، ص ۵۰۸.

۶۷. ر.ک: احمد مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط...، همان، ص ۱۲۵.



دربار و مواجب اجزاء تا آن تاریخ و لباسهای آنها و اجاره محلها و ادارات و انبارها برای ضبط تنباکو، کرایه و مخارج مدیر و رئیس و سایر اعضای که از لندن آورده بودند یا از مرکز به اطراف فرستاده بودند و قیمت آنچه تنباکوی موجود در تمام ایران بوده و خریدها و قیمت کاغذ و پاکت که به آدرس کمپانی طبع شده و آنچه در تمام شهرهای ایران به حکام و محترمین رشوه داده‌اند و... تمام آنها را از روزی که داده بودند تا تاریخی که پول آنها را پس بدهند با فرع حساب کرده از دولت مطالبه کردند. ناصرالدین شاه هم، بدون اینکه در مقام تحقیق برآید که آیا تمام آنها صحیح است یا نه، تمام را ناچار به عهده گرفت. چون چنین پولی نداشتند ناچار از بانک شاهنشاهی قرض کرده به کمپانی تسلیم نمودند. این بود اولین قرض دولت که در دوره ناصرالدین شاه از خارجه استقراض شد.<sup>۶۸</sup>

### ۵. عدم اعتماد کمپانیهای خارجی جهت سرمایه‌گذاری در ایران

بر هم زده شدن قرارداد رژی باعث شد سرمایه‌داران و کمپانیهای بلژیکی و انگلیسی نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران بی‌میل شوند. به دو سند در این مورد توجه فرمایید: نامه سفارت بلژیک، پس از لغو قرارداد رژی، درباره عدم اعتماد کمپانیهای بلژیکی برای سرمایه‌گذاری در ایران و اختلاف حساب کارخانه قند و گاز تهران خطاب به امین‌السلطان صدراعظم ناصرالدین شاه:

جناب اشرف ارفع افخم عالی دوستان [؟] استحضاراً مشفقاً مکرمماً محترماً مهرباناً، در تاریخ ۱۸ نوامبر انجمن تحصیل صنایع به یک دسته از سرمایه‌داران بلجیک تکلیف نموده بود که سهام کافی برای انعقاد و دائر داشتن شرکت قندسازی در ایران لازم است تهیه و تدارک نمایند و از برای شرکت مذکوره به هیچ‌وجه ممکن نشده بود که یک نفر از سرمایه‌داران مذکور را به این مساعدت راضی نمایند و برای امتناع از قبول این تکلیف دلائلی ابراز داشته بودند که در دولت علیه ایران، اعتبار و احترام منپیل [مونوپل] و فرمان امتیاز راعایت و ملاحظه نمی‌نمایند و فسخ مونوپل رژی را استدلال و استشهاد نموده بودند.<sup>۶۹</sup>

بانک شاهنشاهی ایران خطاب به امین‌السلطان:

تهران — ۲۸ ژانویه ۱۸۹۳ / رجب ۱۳۰۹. حضرت اشرف امین‌السلطان صدراعظم ایران، چنانچه پیروز حضوراً عرض شد، فعلاً بر مدیران بانک شاهنشاهی در لندن واضح و مشخص گردیده که با وضع کنونی ممکن نیست که بتوان در فرنگستان

۶۸. همان، صص ۱۴۸-۱۴۹. ۶۹. ابراهیم صفایی، اسناد سیاسی... همان، صص ۱۸۶-۱۸۷.



برای ساختن راه محمره - طهران تدارک سرمایه نمود. هنگامی که اعلیحضرت شاهنشاه امتیاز این راه را به بانک مرحمت کردند کوششهای لازم برای تشکیل کمپانی به عمل آمد ولی متأسفانه اتفاقاتی نسبت به بعضی امتیازات دیگر، که ربطی به بانک نداشت، واقع و روی داد؛ مخصوصاً موضوع امتیاز تنباکو به کلی اطمینان سرمایه‌داران اروپا را نسبت به ایران سلب کرد و یقیناً در انگلستان و دیگر پایتختهای کشورهای اروپا ممکن نیست که سرمایه لازم برای این کار فراهم شود.<sup>۷۰</sup>

ابراهیم صفایی، پس از آوردن این دو نامه در کتاب ارزشمند اسناد سیاسی دوران قاجاریه چنین نتیجه می‌گیرند: «این قسمت از نامه به خوبی نشان می‌دهد که فسخ قرارداد رژی، هنگامی که ایران در جلب سرمایه‌های خارجی تلاش داشت، به حیثیت سیاسی و اقتصادی ایران در اروپا لطمه بزرگی وارد آورد.»<sup>۷۱</sup>

در جواب باید به دو مورد مهم توجه داشت:

الف. خارجیان و عمدتاً انگلیسیها در گرفتن امتیازات و سرمایه‌گذاری در ایران هیچ‌وقت دلشان به حال ملت ایران نسوخته است و این امتیازات را برای خدمت به ایران و ایرانی نگرفته‌اند بلکه در پشت سر این امتیازات علاوه بر کسب سود سرشار و هنگفت و هزارها برابر سرمایه، اهداف استعماری خطرناکی نهفته بود؛ به عنوان مثال، در فسخ امتیاز و قانون بسیار ظالمانه کاپیتولاسیون از سوی قدرتهای بزرگ، دلسوزی به حال ملت ایران مطرح نبود بلکه اهداف دیگر سیاسی مانند مقابله با نفوذ شوروی در مدنظر قرار داشت.<sup>۷۲</sup> اصولاً کدام یک از امتیازات اعطا شده از طرف ناصرالدین شاه واقعاً به نفع ملت ایران بوده یا تمام شده است؟ اهداف و پیامدهای شوم امتیاز رژی طی این مقاله بررسی شد. با امتیاز رویتر، در یک کلام، تمام ایران به یک نفر انگلیسی فروخته شد؛ از جمله با امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی کل نظام مالیه ایران در دست رویتر قرار گرفت. با امتیازات حفاری فرانسویها و انگلیسیها آثار ارزشمند تاریخی و گنجینه زیورآلات ایران در موزه‌های لندن و پاریس جای گرفتند و... امتیازاتی که با دادن رشوه‌های هنگفت به شاه و درباریان و امرا و شاهزادگان اخذ می‌شد چگونه می‌توانست به نفع ایران باشد. سرمایه‌گذاری خارجیان در ایران، در زمانی که این کشور با پادشاهی ناصرالدین شاه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و... دچار شدت ضعف شده بود، نمی‌توانست

۷۰. همان، ص ۱۹۴. ۷۱. همان، ص ۱۸۸.

۷۲. ر.ک: مقاله نگارنده تحت عنوان «نگاهی به سیر کاپیتولاسیون در ایران»، مجله ۱۵ خرداد، ش ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۶۵.

بدون اهداف سیاسی و استعماری صورت گیرد؛ پس، از لغو آنها هیچ افسوسی نباید خورد. البته ناراحتی کمپانیهای خارجی در برهم خوردن قرارداد رژی زیاد بی دلیل نبود؛ زیرا منابع عظیم مالی از دست خارجیان خارج شده بود و این زنگ خطری برای آنها بود که اگر آنان نیز با زحمات فراوان و رشوه‌های هنگفت می‌توانستند امتیازی کسب نمایند با روشنگری ناشی از نهضت تحریم تنباکو، که ملت به دست آورده بود، آن امتیاز باطل می‌شد و منافع مالیشان از بین می‌رفت.

در زمینه منافع سرشار کمپانی رژی از امر انحصار توتون و تنباکوی ایران به آمار ذیل از کلاسور امتیاز تنباکو در وزارت خارجه ایران (مجموعه اسناد دولتی ایران) توجه فرمایید:

طبق برآورد کارشناسان انگلیسی، از ده میلیون جمعیت ایران در ۱۲۶۷ شمسی ۸۴۰۰۰۰ نفر به کشیدن توتون و تنباکو معتاد بودند: ۵۰۰۰۰۰ نفر قلیان کشیده تنباکو مصرف می‌کردند، ۳۰۰۰۰۰ نفر چتیق می‌کشیدند و توتون مصرف می‌نمودند، ۴۰۰۰۰ تن به سیگار معتاد بودند و از توتون سیگار و غیره استفاده می‌نمودند. درآمد روزانه هر ایرانی ۲۰ شاهی و درآمد سالانه تمام اهالی ایران بالغ بر مبلغ ۳۶۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان در سال بود. هر ایرانی معتاد به استعمال دخانیات قادر بود مبلغ ۵/۶۵ قران در سال برای خرید دخانیات بپردازد. در نتیجه، انحصار دخانیات می‌توانست سالانه قریب به ۵۰۰۰۰۰ تومان از بابت افزایش بهای دخانیات استفاده کند.<sup>۷۳</sup>

ب. در اینکه هر کشوری جهت پیشرفت اقتصادی، فنی و علمی نیاز به علوم و سرمایه‌های خارجی دارد حرفی نیست؛ اما مسئله اساسی این است که اعطای امتیاز توسط چه کسی و تحت چه ضوابطی و به چه قیمتی باید انجام گیرد و چه قدرتی در حسن اجرای آن نظارت داشته باشد؟

امتیاز رژی به دستور ناصرالدین شاه داده شد. جهت بهتر شناختن خُلق و خو و... عمق اندیشه وی به گفته‌های نزدیکانش توجه فرمایید: امین‌الدوله از مشاوران نزدیک ناصرالدین شاه:

شاه عمیقاً معتقد بود که مردم ایران آنقدر باید بی‌اطلاع باشند که ندانند پاریس یا بروکسل خوردنی است یا پوشیدنی!!... افکار ناصرالدین شاه به عمق کار و اساس عمل راه نداشت و به تصرفات صوری قانع بود و مصلحت دولت و مملکت را فدای

۷۳. نقل از: خسرو معتمد. حاج‌امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران، انتشارات جانزاده، ۱۳۶۶. صص ۳۳۸-۳۳۹.

ترضیه و تلطف اشخاص می خواست. شاه تملق پسند و لاف طلب بود و اطلاعی از قواعد سیاسیه نداشت، به جزئیات می پرداخت و از کلیات منصرف بود، هوس استبداد در مزاجش غالب... مستوفی الممالک می گفت: از خیر و صلاح پادشاه حرف زدن و اظهار رأی کردن خطاست؛ اگر شاه بگوید می خواهم خودم را از بام خانه به زمین بیندازم خواهم گفت هرچه رأی همایون اقتضا کرده البته صحیح است!! و سپهسالار می گفت: هر روز که از عمرم می رود و تجربه زیاد حاصل می کنم می بینم در وزارت ایران رأی صواب همان است که مستوفی الممالک دارد!<sup>۷۴</sup>

با این سیمای ناصرالدین شاه، آن هم از زبان یاران نزدیکش، چگونه می توان قبول کرد وی در اعطای امتیاز، نه نفع خود بلکه نفع ملت و پیشرفت مملکت را در نظر داشت و در حسن اجرای آن کوشش لازم به کار می برد؟ یکی از مورخان می نویسد:

نکته مهمی که در مورد امتیازات به نظر می رسد این است که هیچ گونه موازنه ای از لحاظ قوای سیاسی و نظامی بین گیرندگان امتیاز و کشور ایران وجود نداشت و مذاکرات درباره آن امتیازات در شرایط متقابل بین دو دولت ذینفع صورت نمی گرفت. غالب امتیازات در مواقعی بر ایران تحمیل می شد که خزانه کشور دچار فقر و دولت در تنگنای بی پولی و شاه با حرص و ولع عجیب در فکر تدارک سفرهای تفریحی به اروپا بودند و، در نتیجه، هر امتیازی با دریافت مبلغی ناچیز که، به هر تقدیر، علاج موقت برای فقر خزانه کشور به شمار می آمد و با شرایط نامساعد به حال ایران به بیگانگان اعطا و پولی که از این ممر عاید خزانه می شد در اندک مدتی صرف هزینه سفر شاه و همراهانش به فرنگ و پرداخت مستمریهای گزاف شاهزادگان و درباریان می گردید.<sup>۷۵</sup>

اما اگر قبول نماییم در نتیجه قیام مردم و فسخ قرارداد رژی به حیثیت سیاسی و اقتصادی ایران در اروپا لطمه وارد شد مسئول مستقیم و تنها باعث آن شخص شاه و اطرافیان و وزرای او بودند که نسنجیده و خام یا سنجیده و جهت مداخل فراوان شخصی، امتیازی به انگلیسیها که دشمنی ذاتی آنها با استقلال و عزت ایرانی آشکار و

۷۴. خاطرات سیاسی امین الدوله، همان، صص ۴۹، ۵۰، ۷۰، ۸۳، ۸۶، ۱۲۲. برای مطالعه زندگی خصوصی ناصرالدین شاه ر.ک: عبدالله مستوفی، همان، ج ۱، ص ۳۸۰. برای آشنایی با زندگی میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا یوسف مستوفی الممالک (پدر حسن مستوفی الممالک صدراعظم دوران مشروطه) که هر دو از نزدیکان و مشاوران و صدراعظماهای ناصرالدین شاه بودند، ر.ک: خان ملک ساسانی. سیستگران دوره قاجار. تهران، انتشارات هدایت و بابک، ۱۳۳۸. ج ۱. ۷۵. علی اصغر شمیم، همان، ص ۲۲۱.



زراندوزی و استثمار و استعمار در ذاتشان موجود است، دادند؛ مردم ایران نیز جهت حفظ استقلال و دین و ناموس خود به رهبری روحانیت برپاخاستند. پس لطمهٔ فسخ قرارداد رژی را نمی‌توان به پای ملت ایران گذاشت. اگر تظاهرات خروش و اعتراض مردم در مخالفت با قرارداد بر پا نمی‌شد و کمپانی، با بدترین و وقیحانه‌ترین اقدامات، به کار خود ادامه می‌داد، قطعاً هیچ اعتراضی از طرف شاه و درباریان و شاهزادگان به عمل نمی‌آمد. امتیاز و امتیازاتی که به هیچ درد ملت نمی‌خورد و ضررهای فراوانی داشت لغوشان، صد البته، بهتر از باقی ماندنشان بود.

### حکم تحریم از میرزای شیرازی بود

به عنوان حسن ختام، توضیحی در مورد اینکه حکم تحریم از طرف میرزای شیرازی بود ضروری است.

عده‌ای از معاصران واقعهٔ رژی و نیز جمعی از نویسندگانی که بعدها به بررسی آن واقعه پرداخته‌اند در مورد انتساب حکم تحریم به میرزا دچار شک شده و حتی گاهی آن را رد نموده‌اند و حکم را منتسب به اشخاص دیگری چون میرزای آشتیانی، عاملان روسیه، درباریان، کامران میرزا، امین‌السلطان، مردم عامی و بازرگانان دانسته و اضافه کرده‌اند که چون میرزا قیام مردم و اثر فتوای مجعول و منتسب به خود را دید آن را انکار نمود.

تاریخ واقعی تمام این فرضها را اشتباه می‌داند و حتی در مواقعی دستهای عاملان انگلیس و روس و پادشاهان سلسلهٔ قاجار و پهلوی در انتشار اکاذیب بالا به عیان دیده می‌شود. غالباً هدف آنها کوبیدن روحانیان و لاقول کاستن از نفوذ آنان در میان مردم بوده است؛ زیرا می‌دیدند در هر حرکت و قیام مردمی - مانند قیام تنباکو، مشروطیت، ملی شدن نفت، ۱۵ خرداد و... - عامل نهضت و رهبری آن به دست روحانیان پیشرو و فداکار بوده است. پس باید به هر طریقی شده در تاریخ دست برد و صفحات آن را مغشوش ساخت تا ملت از دنباله‌روی این قشر مبارز و فداکار روی برگردانند.

یکی از مورخان در مورد منشأ و فتوای تحریم تنباکو، به حق، می‌نویسد: «شایعات فراوانی که دربارهٔ منشأ فتوی رواج یافته بود بی‌شک تا حدّ زیادی از طرف حکومت بود به این امید که از تأثیر فتوی کاسته شود.»<sup>۷۶</sup>  
علاوه بر مطالب مذکور، و نیز عنایت به گفت‌وگوی مرحوم میرزا با مشیرالوزاره، و







تصرف مرکز رژی در تهران به دست تعدادی از روحانیون و تجار پس از صدور فتوای تحریم تنباکو [۳۸۷۳-۱]

اینکه مخالفان انتساب حکم تحریم به میرزا هیچ‌گونه مدرکی در مورد ادعای خود ارائه نداده‌اند، نامه‌ای بسیار گویا از مرحوم میرزا در دست است که به خط شریف خود اعلام می‌دارد فتوای تحریم از اوست و این، کل نوشته‌ها و ایراد شبهه‌ها در مورد عدم صدور حکم از طرف میرزا، را باطل می‌نماید.

نامه‌ای خدمت میرزا نگاشته‌اند که در آن چنین آمده است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. حجة‌الاسلام، ادام‌الله‌تعالی ظلمک‌العالی، در باب دخانیه حکمی از حضرت مستطاب‌عالی انتشار یافت که تصریح به حرمت آن فرموده بودند ولی ترخیص آن را معلق به رفع امتیاز فرموده‌اند. چون مقصود از رفع مشتبّه بود و فعلاً به جهت انتشار بودن اخبار به رفع و وصول پاره‌ای از تلگرافات و غیرها از اطراف تکلیف مشتبّه و امر متشابه است، مستدعی است که تکلیف فعلی عموم مکلفین را معین و مناط رخصت را مقرر فرمایند تا اطاعت گردد و بر تقدیر مفاد حکم منع آیا استعمال دخانیه‌ای است که ملک خود شخص است و در دست فرنگی نمانده جایز است یا خیر؟ الامر‌العالی مطاع مطاع مطاع.

جواب این استفتاء در حاشیه‌ی نامه چنین است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بلی حکم به حرمت کرده‌ام چنانکه انتشار یافته. و مراد از رفع امتیاز که معلق علیه رخصت است رفع ید فرنگی است از دخانیات بالمره در داخله و خارجه. و چون اعتماد از تلگرافات مرتفع شده، مادام که به نحو مذکور بر خود حقیر رفع محض نشود و مطمئن نشوم و خود اخبار ننمایم به رفع حکم، منع موجود و اجتناب لازم و رخصت نیست هرچند مأخوذ از فرنگی نباشد. حرره‌الاحقر محمدحسن‌الحسینی. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سواد مطابق اصل به خط و مهر احقر محمدحسن‌الحسینی است و اثر مهر عبده محمدحسن‌الحسینی<sup>۷۷</sup> (نام مرحوم میرزا، محمدحسن‌الحسینی معروف به میرزای شیرازی بود).



۷۷. اصل نامه مذکور و جواب مرحوم میرزا نزد استاد سید جمال‌الدین تبرایی طباطبایی (مقیم شهر تبریز) موجود است. استاد نامه مذکور را جهت چاپ در اختیار روزنامه فزوغ آزادی (چاپ تبریز) گذاشته‌اند که به تاریخ چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۹ (سال ۱۱، دوره جدید، ش ۱۶۵) صفحه ۴ چاپ شده است.